

سرمقاله ...

نقدی بر روایت‌های تقلیل‌گرایانه از جنگ

منصور امان

تقریباً از هنگام شروع جنگ ایران شاهد آغاز کمپین رسانه‌ای گسترده‌ای از سوی سه جریان نامتجانس در اروپا و آمریکا با محور نقد همزمان جنگ و آمریکا هستیم. نکته قابل توجه در این کمپین، رهبری آن از سوی رسانه‌های رسمی بورژوازی لیبرال اروپا و آمریکا است. دولت‌های اروپایی به گونه آشکار به این کارزار باری می‌رسانند و آن را جلو می‌رانند. همین نقش را در آمریکا حزب دموکرات و به عبارتی بخشی از طبقه حاکم ایفا می‌کند. کارزار یاد شده در دو سطح دولتی و رسانه‌ای به گونه هماهنگ با ارائه و تبلیغ روایت‌های معینی همچون «انزوای استراتژیک واشنگتن»، «شکست سیاست‌های مداخله‌جویانه» و «ضربه به بنیانهای اقتصادی آمریکا»، «فقدان استراتژی» و جز آن پیش برده می‌شود. هدف در درجه نخست اثبات ناکارآمدی سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه ترامپ و برکشیدن خود به مثابه یک بازیگر فعال در رقابت بلوکها است.

اتحاد پارادوکسیال

سرچشمه سیاسی - اقتصادی این کارزار اروپایی - آمریکایی، قُطب‌بندی در جهان سرمایه‌داری و نظم بین‌المللی شکل داده شده توسط آن است. شکاف بین اروپا و آمریکا که از استراتژی انزواطلبانه و «آمریکا اول» بخشی از طبقه حاکم این کشور آغاز شده و با گشایش میدان‌هایی مانند جنگ تعرفه‌ها، مساله گرینلند، موضوع اوکراین و جز آن جریان یافته است، با جنگ ایران صحنه دیگری برای نمود مادی پیدا کرده است. این جنگ وضعیت قُطبی شده نظم بین‌المللی را عینیت بیشتری بخشیده و به مُنازعات ناشی از آن، فضا و شدت فزاینده‌تری داده است.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

ولی فقیه سوم «لُخت» نیست!

مهدی سامع

صفحه ۲



روایت وقیحانه پزشکیان

از شرایط اقتصادی مردم!

زینت میرهاشمی

صفحه ۵

متن سخنان مهدی سامع

در تظاهرات پاریس

صفحه ۱۴

اعدام؛ راهکاری

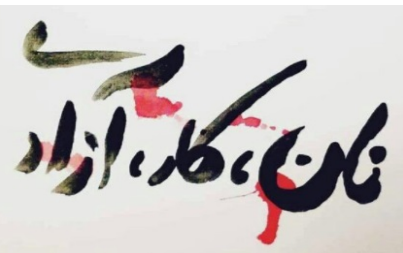
برای بقای امنیت نظام

صفحه ۹

در سوگ درگذشت

رفیق نسرین رضایی

صفحه ۷



ترازنامه ۳۷۰۴ کُنش اعتراضی

نیروهای کار، صدها قیام توده ای و

گردهمایی در مزار شهیدان

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگران

دبیر خانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

منتشر می‌کند

تجاوز بزدلانه به اردوگاه احزاب

کردستان محکوم است

صفحه ۱۴

صفحه ۴

در این شماره :

چالش‌های معلمان (فروردین ۱۴۰۵) - فرنگیس بایقره صفحه ۶

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۱۴۰۵) - پویا رضوانی صفحه ۸

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۴۰۵) صفحه ۱۰

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۱۴۰۵) - اسد طاهری صفحه ۱۲

یادواره / فدایی شهید زهره مدیر شانه چی - امیر ابراهیمی صفحه ۱۶

شهادت فدایی در اردیبهشت ماه صفحه ۱۶

جوانان انقلابی ایران

اقتدار و استبداد را در هیچ چارچوب

و لباسی بر نمی‌تابند

گلرخ ایرایی

صفحه ۷

ولی فقیه سوم «لخت» نیست!

مهدی سامع

ایشون وجود نداره. ایشون بیانیه هایش را مکتوب می نویسه میاد تو صدا سیما تایپ می شه اعلام می کنن/ما اشراف فرمانده کل قوا به میدان رو کامل و یقیناً خبر داریم... این جملاتی که وای فرمانده کل قوا رو بهش تحمیل کردن و ایشون عقب نشینی کردن و این حرفا همه از گلوی دشمن میاد بیرون.» (تلویزیون حکومتی شبکه سبز، شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵)

پس از آن که نام مجتبی خامنه ای به عنوان ولی فقیه سوم پوشش رسانه ای پیدا کرد، حرف و حدیث گوناگونی در این باره منتشر شد که می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد.

گروهی بر این باورند که مجتبی هم در همان روز اول کشته شده و همه آن چه پیرامون تعیین او گفته شده، سناریوسازی است. صدا و سیمای رژیم مجتبی خامنه ای را «جانباز جنگ رمضان» اعلام کرده و عراقچی با ادبیات دیگر همین ادعا را مطرح کرده است.



شمار زیادی هم بر این باورند که گرچه مجتبی به عنوان ولی فقیه انتخاب شده، اما فاقد اختیار در این مسئولیت و دست پروده و دست آموز سپاه پاسداران است و همین نهاد اجازه نداده مجتبی خامنه ای قیای ولایت فقیه را بر تن کند. این حرف ترامپ که «رژیم چنج» صورت گرفته هم یکی از دلایل این ارزیابی است.

این نظریه داستان زیبای «هانس کریستین آندرسن» درباره ُ «لباس جدید امپراتور» را به یاد می آورد. چند سال پیش، یکی از نظریه پردازان نظام در خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران مقاله علیه رسانه ها و فرهنگ غرب با استناد به این داستان نوشت. در مقدمه این مقاله می خوانیم: «هانس کریستیان آندرسن نویسنده مشهور دانمارکی قرن ۱۹ میلادی داستان معروفی را به نام «لباس جدید امپراتور» خلق کرد که در این داستان با فریبکاری خیاط حيله گر، تنها حلال زاده ها می توانستند لباس پادشاه لخت را ببینند و لاغیر! کار تا حدی پیش رفت که خود پادشاه نیز امر برایش مُستبه شد و با آنکه بقیه در صفحه ۴

عثمان بن سعید، یعنی فرزند ایشان را به عنوان نماینده خود معرفی فرمودند/ دقیقاً نظیر انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای بعد از شهادت امام خامنه ای عزیز و...» (کبهان، یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴)

یک عضو مجلس خبرگان گفت: الحمدالله بیش از دو سوم اعضای مجلس خبرگان جمع شدند و البته به خاطر شرایط امنیتی شاید به بعضیها هم خبر نرسید و با اینکه در قم بودند نتوانستند بیایند ولی اکثریت قریب به اتفاق بحمدالله شرکت کردند و بحث شد و گزینه هایی مختلف مطرح شد و آیت الله سید مجتبی خامنه ای [۵۶ ساله] با رای حدود ۸۵ درصد افراد حاضر در مجلس مورد انتخاب شد.» (دیده بان ایران، دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۴)

با توجه به این که دو سوم از ۸۸ نفر عضو خبرگان یعنی ۵۸ نفر در این تصمیم گیری شرکت داشته اند، بر اساس گفته این عضو مجلس، مجتبی خامنه ای با ۴۹ رای مثبت، به عنوان ولی فقیه سوم انتخاب شده است.

ابوالفضل قدیانی، فعال سیاسی محبوس در زندان اوین، در

روز شنبه نهم اسفند ۱۴۰۴، به عنوان یک روز مهم در رویدادهای تاریخی ایران زمین، نوشته خواهد شد. در این روز جنگ دوم آمریکا و اسرائیل با تجاوز به سرزمین ایران آغاز و از آن مهمتر این که ولی فقیه دوم، علی حسینی خامنه ای، در ۸۷ سالگی کشته شد. علی خامنه ای از کارگزاران رده اول نظام ولایت فقیه بود که پس از مرگ خمینی در سال ۱۳۶۸، در یک جلسه پُر تلاطم خبرگان به عنوان دومین ولی فقیه انتخاب شد. گرچه قیای ولی فقیه که در اندازه خمینی دوخته شده بود، برای علی خامنه ای گُشاد بود، اما او به تدریج و با شیوه های سخت و نرم افزاری، در مقام یک حاکم مقتدر، جنایتکار، چپاولگر، ضد مردم، بیرحم، فریبکار و تا بُن استخوان مرتجع، خود را به جامعه و مردم تحمیل کرد.

آخرین جنایت کلان او، گُشتار هزاران شهروند ایران زمین به شمول تعداد زیادی از کودکان بود که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه سال گذشته صورت گرفت. او فرمان داد که «اغتشاشگران» باید سر «جایشان نشانده شوند». در روز شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۴، هم به کشتار «چند هزار نفر» اعتراف کرد و گفت: «فتنه را خاموش» کردیم.

پیرامون دوران سیاه حکمرانی او بسیار نوشته و گفته شده و بازهم تکرار خواهد شد. «بیانیه گام دوم انقلاب» برنامه او برای چهل سال دوم نظام ولایت فقیه است که بر اساس آن باید «تمدن اسلامی» بنیانگذاری شود. اما آجل به سید علی امان نداد و چرخ گردون به شکلی رقم خورد که در روز شنبه نهم اسفند ۱۴۰۴ آن را دیدیم.

به دنبال هلاکت خلیفه دوم، موضوع انتخاب ولی فقیه سوم به مساله حاد به ویژه در شرایط جنگی تبدیل شد و سرانجام با تصمیمی که چگونگی آن هنوز غیر شفاف است، مجلس خبرگان در روز ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ اعلام کرد که «پس از بررسیهای دقیق و گسترده و استفاده از ظرفیت اصل ۱۰۸ قانون اساسی، مطابق وظیفه شرعی و اعتقاد به حضور در محضر خداوند متعال، در اجلاسیه فوق العاده امروز آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه ای (حفظه الله) را بر اساس رأی قاطع نمایندگان محترم مجلس خبرگان رهبری به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تعیین و معرفی می نماید.»

در این متن باید به کلمه «تعیین و معرفی» که در برابر کلمه «انتخاب» به کار برده شده دقت کرد. حسین شریعتمداری، آیت الله یکشیه ی مجتبی خامنه ای را برگزیده و انتخاب شده امام دوازدهم شیعیان اعلام کرد و نوشت: «با جرات می توان گفت حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای حفظه الله تعالی نیز برگزیده و انتخاب شده حضرت صاحب الزمان هستند که در میدان کشف خبرگان عزیز قرار گرفته و معرفی شده اند و از این روی، اطاعت از ایشان همان اطاعت از حضرت صاحب الزمان است.»

و اما، در انتخاب ایشان نکته لطیف و ظریف دیگری نیز هست که از شباهتی روح نواز میان دو حقیقت سرنوشت ساز حکایت می کند و آن اینکه، اولین نماینده حضرت برای دوران غیبت صغری، شخصیت برجسته ای بنام عثمان بن سعید عمروی بود و حضرت صاحب الزمان، بعد از رحلت ایشان، محمد بن

این مورد نوشت: «خیمه شب بازی انتصاب مجتبی، فرزند دیکتاتور، توسط مجلس خبرگان فراری، از اساس رسوا و مضحک است. روشن نیست این نمایش چگونه و در حالی که آنان در حال فرار و در مخفیگاه بودند، انجام شده است... زشت ترین جلوه این خیمه شب بازی برای بقا، موروثی کردن قدرت و تبدیل حکومت به سلطنت خانوادگی است؛ روندی که با توطئه و دسیسه، سرکوب مستمر و ایجاد خفقان توسط علی خامنه ای، خودکامه و خونریز ایران، پایه گذاری شد.»

یکی از آخرین اطلاعات پیرامون خلیفه سوم، از جانب سخنران تجمع فرمایشی شبانه در گرگان، لابد از مقامهای نظامی امنیتی، مطرح شده است. او می گوید: بعضاً سؤال می کنند چرا فرمانده کل قوا از شون صوت یا تصویر نمی دهید. جایگاه و شرایطی که ایشون درش مستقر هستند، تدبیر امنیتی بچه های ما اینه که هرگونه لوازم صوتی قطعات تصویری حتی در حد یه فلش، یه دیجیتال، هرچی که هست هیچ رکوردی ضبطی اطرافشون حتی یه کامپیوتر برای تایپ کردن هر چیزی که ممکنه فرکانس داشته باشه، موبایل یا سیم بیسیم خط مستقیم خط غیرمستقیم، به هیچ وجه اطراف

سرمقاله ...

نقدی بر روایت‌های تقلیل‌گرایانه از جنگ

منصور امان



بقیه از صفحه ۱

بلوک اتحادیه اروپا و حزب دموکرات آمریکا در تقابل با ترامپ، متحد غیرمنتظره‌ای هم پیدا کرده است و آن جریان چپ لیبرال و چپ اردوگاهی است. تاکنون اپوزیسیون برون پارلمانی در اروپا - با شدت و ضعف - صندلی رسانه‌ای و روایی با رسانه‌های رسمی و پروپاگاندا دولتی داشته است، همین امر در مورد چپ‌های لیبرال و چپ اردوگاهی نیز صادق بوده. جنگ ایران اما این روال را دگرگون ساخته و هر دوی این جریانها در برخورد به موضوع جنگ، یک خط واحد را با بلوک یاد شده پیش می‌برند که اگرچه می‌تواند در افق نهایی متفاوت باشد، اما در شرایط مشخص و لحظه سیاسی اکنون، روی پایه مشترک با ابزار و اسباب مشترک ایستاده است. در این میان پارادوکس رژه‌ی چپ اردوگاهی با پرچم «زوال امپریالیسم» و «پایان هژمونی غرب» آنهم در کنار دولت‌های بورژوازی و رسانه‌های آن بیشتر از همه خودنمایی می‌کند. پیام این جبهه تبلیغاتی واحد این است: «آمریکا در جنگ به بن‌بست خورده، ج.ا نقشه آن را به شکست کشانده و این قدرت در حال فروپاشی است.»

اروپا بین منافع جهانی و سیاست سنتی

تا آنجا که به اتحادیه اروپا برمی‌گردد، این بازی رسانه‌ای - تبلیغاتی گذشته از آنکه در خدمت کوشش آن در تعیین و تثبیت جایگاه خود در نظم بین‌المللی آینده قرار دارد، همزمان سیاست سنتی این بلوک در برابر رژیم حاکم بر ایران را تداوم می‌بخشد. اروپا تا پیش از جنگ اوکراین و همدستی ج.ا با روسیه، رویکرد «تحول از طریق تجارت» را در برخورد با ج.ا با راهنمای عمل خود قرار داده بود؛ سیاستی که ادعا می‌کرد گسترش روابط اقتصادی با رژیم ولایت فقیه موجب تحول تدریجی رفتار آن در پهنه‌های اقتدارگرایی، حقوق بشر و بحران سازی بین‌المللی خواهد شد.

بعد از جنگ اوکراین و به ویژه پس از جراحی «میان‌روها» از قدرت در ایران، اروپا به‌ظاهر این سیاست را کنار گذاشت، اما با این حال همچنان با یک چشم تغییر رفتار حاکمان ج.ا را انتظار می‌کشد و امید دارد بتواند با جلب نظر آنها، به بازیگر فعالی در رابطه با مسائل ایران تبدیل شود. این هدف به دلیل شکل‌گیری صف‌بند‌های جدید در پهنه قلم‌های سیاسی - اقتصادی - نظامی، برای اروپا اهمیت دوچندان یافته است. در این راستا اروپا با جدیت می‌کوشد حاکمان ج.ا را تحریک یا خشمگین نکند و از همین رو دست به معاملات کثیف بر سر تروریست‌های دستگیر شده می‌زند، به گروه‌گنجیری دولتی ج.ا باج می‌دهد یا از ثروت غارت شده توسط رهبران و پاپوران حکومت میزبانی می‌کند و حتی برای حفظ سیاست مماشات، از به تسخیر گرفتن قوانین و نهادهای قانونی خود نیز کوتاهی نمی‌کند؛ آنچه که در رفتار ریاکارانه بر سر تروریستی شناختن سپاه پاسداران خود را به نمایش گذاشت.

دو بیراهه با علائم دروغین

موضع دو گرایش چپ لیبرال و چپ اردوگاهی نیز چندان غیرمنتظره نیست. هر دوی آنها در گذشته نیز چندان به بعد

رویکردهای جنگ‌طلبانه و بحران‌زای طرف مقابل آنها می‌بندد و در نتیجه خشونت و بربریت جنگ را نه به گونه قطعی و بدون استثنا، بلکه آنجا که از سوی طرف خاصی پیش گرفته می‌شود، رد و محکوم می‌کند. به بیان دیگر برای این گرایش، جنگ و خشونت مفاهیمی ضدارزش و سیاستی در خدمت منافع طبقه‌ای معین نیست، بلکه ابزاری برای حمله به رقیب سیاسی و ماشین تولید امتیاز برای بردن بحث و روایت‌هاست.

همین دیدگاه فرصت‌طلبانه در برخورد به آثار ویرانگر جنگ در ایران نیز خود را به نمایش می‌گذارد. آنجا که اشاره به این آثار می‌تواند به سود جنگ خصوصی آن علیه «امپریالیسم» عمل کند، چپ اردوگاهی حاضر است. در اینجا گرایش یاد شده به خوبی با خط تبلیغاتی حاکمان ایران هماهنگ می‌شود، برای نمونه از حمله جنایتکارانه به یک مدرسه در میناب یا حمله به ساختمان صداوسیما می‌توان یاد کرد که دستکم برای دو هفته میدان بازی آنها را تشکیل می‌داد. همزمان اما از کنار رویکرد ضدانسانی حاکمان ایران در بی‌پناه گذاشته شدن مردم شهرها در برابر بمباران و موشک باران، نبود پناهگاه و حتی آژیر اعلام خطر می‌گذرد، از سواستفاده ماشین جنگی و سرکوب حکومت از امکان و تاسیسات غیرنظامی برای پنهان ساختن تجهیزات و نفرات حرفی به میان نمی‌آورد، بر مخالفت جامعه با جنگ و لشکرکشی خیابانی حاکمیت برای جلوگیری از ابراز آن سرپوش می‌گذارد و افسار گسیختگی سرکوبگران حاکم در قطع اینترنت، پامالی حق شهروندان در دسترسی به اطلاعات و بیکاری و ورشکستگی هزاران نفر را یا نادیده می‌انگارد یا حتی با آن ابراز تفاهم می‌کند.

کور از یک چشم

گذشته از نادیده گرفتن اقتصاد سیاسی جنگ و تقابل «بالا» و «پایین» در کانون آن، تقلیل‌گزینی جنگ به پیامدهای انسانی آن نیز گسترش می‌یابد. مورد انتقاد، مخالفت بلوک مزبور با جنگ به مثابه یک سیاست یا مرزبندی با پوپولیسم

بقیه در صفحه ۴

اجتماعی - انسانی مساله ایران بها نداده‌اند، اگرچه خاستگاه رویکرد آنها متفاوت بوده است. چپ لیبرال از پایگاه یک رواداری ریاکارانه و منقطع، همواره استبداد سیاسی و ستم جنسیتی در ایران را توجیه کرده است. این جریان محدودیت‌های اجتماعی زنان را با پیش کشیدن «فرهنگ ایران» و رسوم توضیح می‌دهد، برای بربریت حاکم در دستگاه‌های سیاسی و قضایی، عذر «قوانین جاری کشور» را می‌آورد و به منتقدان ارتجاع اسلامی و اسلام سیاسی، انگ «اسلام فوبیا» و «اسلام ستیزی» می‌زند و در نهایت، مساله حقوق بشر را به امری محلی و بومی کاهش داده و برداشتهای دلخواهی از آن را مشروع و مجاز قلمداد می‌کند.

در مقایسه با آن، رویکرد چپ اردوگاهی دوگانگی و یا به بیان بهتر تزیینات حاشیه‌ای کمتری دارد. سیاست این گرایش نسبت به رژیم ج.ا تنها روی یک پایه قرار گرفته و آن موضع این رژیم در برخورد به «امپریالیسم آمریکا» است. قُطب‌نمای سیاسی چپ اردوگاهی در هر نقطه از جغرافیای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی ایران که قرار داشته باشد، تنها به سوی یک جهت مایل می‌شود و آن آمریکاستیزی رژیم حاکم است. چپ اردوگاهی نه از امروز و به دلیل جنگ، در صفتبندی سیاسی در کنار ج.ا قرار گرفته و این انتخابی تصادفی نیست، بلکه محصول دیدگاهی‌ست که یک توجیه ایدئولوژیک نیز عرضه می‌کند، بدین صورت که گویا تضاد امپریالیسم و نیروهای ضدامپریالیسم تضاد عمده در سطح جهانی است و سایر پهنه‌های تضاد در سطح ملی و بین‌المللی را باید فرعی دانست. با این استدلال کاریکاتوری، گرایش مزبور رویدادهای ایران را گذشته از آنکه چه نما و درونمایه‌ای داشته باشد، از زاویه کشاکش ج.ا با آمریکا دیده و ارزیابی می‌کند. این گرایش گنجایش آن را دارد که در ارزش‌گذاری یک قیام توده‌ای در ایران، با پروپاگاندا حاکمیت همراه شده و آن را ناشی از تحریکات خارجی معرفی کند یا خیزش «زن زندگی آزادی» را اعتراض زنان طبقه مرفه بنامد و مبارزه برای حقوق بشر را تلاش برای تحمیل فرهنگ بورژوازی و استعمار فرهنگی جلوه دهد.

لفاظی‌های آن علیه جنگ به طور عمده بر افشاگری و حمله به آمریکا و اسرائیل متمرکز است و چشم بر سیاستها و

نقدی بر روایت‌های تقلیل‌گرایانه از جنگ

بقیه از صفحه ۱

راست آمریکایی نیست، بلکه نادیده گرفتن تأثیرات اجتماعی و سرزمینی جنگ در ایران و چشم گذاشتن بر پیامدهای میدانی این کمپین است. در بلندگوهای حقیقی و مجازی این بلوک، نقشه‌های جنگ به طور کشف تشریح شده و جایجایی هواپیماها و ناوهای جنگی برحسب زمان و مکان گزارش می‌شود. نقشه‌های خطوط جبهه جنگ روی میز پهن و لشکر-مهره‌ها از این نقطه به نقطه دیگر جایجا می‌شوند. «ناکامیهای آمریکا و اسرائیل» روزانه گزارش و تحلیل می‌شود و خسارات و کمبودهای آنها به شمارش درمی‌آید. سیاست و افکار عمومی در این دو کشور زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و بخش جدایی‌ناپذیر گزارش‌های جنگ می‌شود و جز آن، اما آنچه که در نزدیک به تمامی این حرکت‌های تبلیغاتی «ضدجنگ» غایب است، هزینه‌های سنگینی است که مردم ایران بابت این درگیری می‌پردازند. بلوک اتحادیه اروپا، حزب دموکرات آمریکا، لیبرال‌های چپ و چپ‌آرودگاهی به گونه انحصاری بر تضعیف ترامپ متمرکز است و جنگ ایران را به مثابه ابزار این سیاست به خدمت می‌گیرد. از نگاه آن، آثار ویرانگر جنگ بر جان، زیست و معاش شهروندان ایران یک متغیر فرعی در مسیر غلبه بر ترامپ به حساب می‌آید و هم این رو حد اکثر به گونه حاشیه‌ای در کمپین آن بازتاب می‌یابد. تأثیرات مشخص جنگ در ایران هنگامی دارای اهمیت می‌شود که بی‌واسطه ابعادی بین‌المللی پیدا کند و در کادر محورهای تقابل جهانی بلوک قرار بگیرد. برای مثال، سقوط آزاد سطح زندگی بخش‌های بزرگی از کارگران و مزد و حقوق بگیران به دلیل تعطیلی کارخانه‌ها، توقف تولید و کسب و کار به دلیل بعد محلی و ایزوله آن جایی در کارزار ضد جنگ ترامپ ندارد، در عوض اما تأثیر جنگ بر تنگه هرمز به دلیل ابعاد جهانی آن در مرکز تحلیل و تفسیر و گزارش قرار می‌گیرد. یا هزینه سنگینی که مردم ایران با ویرانی زیرساخت‌های ملی و به قهقرا رفتن توسعه کشور می‌پردازند، به حساب گرفته نمی‌شود، اما هزینه خسارات امارات و عربستان تا ریال آخر شمرده می‌شود تا خرج تصفیه حساب با آمریکا شود. برای درک بهتر شکاف عمیقی که بین نقد انتزاعی سیاسی و نقد اخلاقی - انسانی در کمپین ضدجنگ ایران وجود دارد، نگاه به جنبش ضدجنگ ویتنام و مقایسه آن می‌تواند آموزه مفیدی باشد.

به جز یک دوره کوتاه در ابتدای شروع این جنگ، مضمون اصلی نقد آن و زاویه حمله به دولت وقت آمریکا، رنج‌های انسانی مردم ویتنام و تأثیرات ویرانگر آن بر این کشور، شیرازه‌های زندگی مدنی و محیط زیست بود. از سال ۱۹۶۷، یعنی دو سال پس از حمله آمریکا به ویتنام، این جنبه از جنگ ویتنام به نیروی محرک جنبش‌ها و حرکت‌های ضدجنگ در سراسر جهان تبدیل شده بود و از سطح نزاع مجرد سیاسی با دولت آمریکا یا امپریالیسم آمریکا فراتر می‌رفت. برجسته شدن مسوولیت اخلاقی در برابر رنج و خون مردم ویتنام، بسیاری از روشنفکران، هنرمندان و حتی بخش‌هایی از کلیسا را نیز به میدان آورد.

این جنبش‌ها که به طور عمده از موضع چپ لیبرال و چپ مارکسیستی جنگ را نقد می‌کردند، دو مولفه اصلی جنگ یعنی منطقی و زیربنای امپریالیستی و توسعه طلبانه آن و نیز پیامدها و آثار انسانی‌اش را به مثابه یک پایه تفکیک‌ناپذیر در نقد می‌دیدند. از نظر آنها جنبش ضدجنگی که انسان را از مرکز توجه و تحلیل حذف کند یا به حاشیه براند، یک جنبش ناهمگون و در نهایت در هدف خود برای پایان جنگ و کمک به برقراری صلح ناکارآمد خواهد بود.

ولی فقیه سوم «لخت» نیست!

بقیه از صفحه ۲

حقیقت را می‌دانست، جرئت نداشت بگوید لخت است، مبدا که اطرافیانش وی را حرام زاده بخوانند! تا آنکه کودکی در میان جمعیتی که همگی لختی پادشاه را می‌دیدند اما آنان نیز جرئت ابراز این حقیقت را نداشتند، فریاد زد پادشاه لخت است و دست خیاط‌های فریبکار رو شد. (محمود محمدی کیان، فارس، شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۷)

اگر به جای خیاط‌ها، سپاه را بگذاریم و به جای لباس، مقام ولایت فقیه را قرار دهیم، ویرایش جدیدی از این داستان، این بار واقعیت پیدا کرده است. بر اساس این نظریه، مجتبی خامنه‌ای گرچه قبا و عبا و عمامه آخوندی را دارد، اما در مسند ولی فقیه لخت است. گروه سوم بر این تحلیل پافشاری می‌کند که محتوای سیاسی نظام جمهوری اسلامی اصل «ولایت مطلقه فقیه» است که «قدرت حقیقی» حاکمیت است. شاکله نظامی که قدرت حقیقی آن بی اثر شده باشد، از درون پاشیده خواهد شد. این که رژیم حاکم توانسته در شرایط دشوار جنگی، انسجام درونی خود را، البته به طور نسبی، حفظ کند، فقط به خاطر سرنیزه و گلوله سپاه نیست. قبا و ولایت فقیه گرچه بر مجتبی خامنه‌ای بسیار گشاد است، اما او در دوران ولایت پدرش، هماهنگی نهادهای امنیتی و نظامی را به عهده داشته است.

اصطلاح «عمود خیمه نظام» و یا «تخ تسبیح نظام» در مورد موقعیت و نقش ولی فقیه، بیهوده به کار برده نشده است. البته سپاه پاسداران از شروع ولایت علی خامنه‌ای گام به گام بر ارگانها و نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تسلط پیدا کرد، اما همواره تحت سرکردگی ولی فقیه. شاکله قانون اساسی جمهوری اسلامی و پایداری کلیه نهادهای نظامی، امنیتی و قضایی این نظام بر محور اصل ولایت فقیه است و سپاه پاسداران به هر میزانی که قدرت داشته باشد، در برابر نهاد ولایت فقیه رنگ می‌بازد.

برآمد

نقطه عزیمت تحلیل و نتیجه‌گیری چپ مارکسیست از جنگ، مردم ایران، مطالبات و مبارزات آنهاست. زاویه نگاه آن به جنگ تأثیراتی است که بی‌واسطه بر زندگی، معیشت و آینده وسیع‌ترین بخش‌های جامعه به‌جا می‌گذارد و نه تضادهای دو قطب ارتجاعی! چپ مارکسیست خط‌مشی خود را از نیازها و مطالباتی که جنگ اهمیت برآورده شدن آنها را تشدید کرده یا خود ایجاد کرده، استخراج می‌کند. جنگ اگرچه وقفه‌ای ناگزیر در مبارزه بر سر این مطالبات پدید آورده، اما آماج و وظایفی که سلسله خیزش‌های توده‌ای روی میز گذاشته‌اند، اعتبار خود را حفظ کرده و نیروی لایزالی است که روندهای سیاسی-مبارزاتی چه در سطح و چه در عمق را پیش می‌برد.

پیدا کردن مخرج مشترک در برخورد به جنگ ایران از سوی چهار طیف دولتی، سیاسی و فکری و هماهنگی رسانه‌ای و تبلیغاتی آنها در ارائه تصویری تحریف شده و یکجانبه از آن، بی‌گمان توان روایت و گفت‌وگو سازی بر این پایه را نیز چندین برابر افزایش داده و تلاش چپ انقلابی و مارکسیست را برای نشان دادن واقعیت میدانی بر تارک روایتها و تحلیلها به همین میزان دشوار ساخته است. این صف‌آرایی اما همچنین پافشاری و ضرورت وجود و گسترش صف مستقل مارکسیستها، نیروهای مترقی و دموکرات‌های پیشرو را اهمیتی دوچندان بخشیده است.

ترازنامه ۳۷۰۴ کنش اعتراضی نیروهای کار، صدها قیام توده ای و گردهمایی در مزار شهیدان

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگران
دبیر خانه سازمان چریک‌های فدایی خلق
ایران منتشر می‌کند

چند توضیح:

۳۷۰۴ کنش اعتراضی نیروهای کار همراه با صدها خیزش و قیام توده ای و دستکم صد گردهمایی پرشور به مناسبت چهلمین روز شهیدان جنبش انقلابی در سال ۱۴۰۴ خورشیدی که در ترازنامه زیر جمع آوری شده مربوط به جنبش کارگران، کشاورزان، معلمان، دانش آموزان، بازنشستگان، پرستاران، رانندگان، بیکاران، بازاریان، مدافعان حفاظت از محیط زیست و ... است که در ماهنامه نبرد خلق از شماره ۳۸۹ تا شماره ۵۰۰ به شکل مشروح همراه با منبع خبر منتشر شده است. در این سال حضور زنان در جنبش معلمان، بازنشستگان، پرستاران و مدافعان محیط زیست بسیار پررنگ بود.

تهاجم و تجاوز آمریکا و اسرائیل به سرزمین ایران در سال ۱۴۰۴ خورشیدی، تأثیر مخربی داشت و مانع بروز جنبش‌های اجتماعی و کنش‌های توده ای شد. جنگ اول از ۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴ (۱۲ روز) و جنگ دوم از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و تا پایان سال ادامه داشت.

در رویدادی دیگر در دی ماه این سال، شاهد جنبش انقلابی پرشکوهی بودیم که در آن صدها قیام در تمامی استانهای کشور اتفاق افتاد. رسانه حکومتی جهان صنعت، در شماره روز سه شنبه ۲۸ بهمن نوشت:

«مردمی که زیر بار گرانی، بیکاری و فشارهای معیشتی سفره های شان کوچک تر شده در ۱۸ و ۱۹ دی به خیابان آمدند تا بگویند طلاق شان به سر آمده و کارد به استخوان شان رسیده است.» خامنه‌ای در روز شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۴، به کشتار «چند هزار نفر» اعتراف کرد. خامنه‌ای گفت: «فتنه را خاموش کردیم اما این کافی نیست آمریکا باید پاسخگو باشد وزارت خارجه و دستگاه‌های مرتبط باید دنبال کنند... ملت [بخوانید] نیروهای سرکوبگر ایرانی، عراقی، افغانستانی و... همانطور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکنند...»

سرکوب ددمنشانه و بی سابقه شهروندان در شبانه روز پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ تا بامداد شنبه ۲۰ دی ادامه داشت و در آن هزاران زن و مرد و کودک و نوجوان ایرانی به وسیله مزدوران خامنه‌ای به قتل رسیدند، در کاهش کنش اعتراضی موثر شد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، ترازنامه ۱۱۸ کنش اعتراضی دانشجویان از یک آذر ۱۴۰۳ تا یک آذر ۱۴۰۴ را منتشر کرده است.

دبیر خانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۸ آوریل ۲۰۲۶

متن کامل این ترازنامه در آدرس زیر است:

<http://www.iran->

nabard.com/BILLAN-

[KAREGARI/1404%20bilan%20kar.](http://KAREGARI/1404%20bilan%20kar.pdf)

pdf

روایت وقیحانه پزشکيان از شرايط اقتصادي مردم!

زينت ميرهاشمي



حداقل حقوق کارگری ۲۱ میلیون و ۸۲۵ هزار تومان خواهد بود. این ارقام در حالی است که قبل از جنگ، سبد معیشت کارگران از مرز ۵۰ میلیون تومان گذشته بود. تعیین این مقدار، اگر واقعی باشد، در حالی است که بر اساس گزارش ایلنا (۴ فروردین ۱۴۰۵)، در گزارش نهایی کمیته مزد، رقم سبد معیشت یک خانوار متوسط کارگری برای سال ۱۴۰۵ حدود ۴۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان برآورد شده است. روایتی که پزشکيان، از «کارکرد صحیح سیستم» و «عدم کمبود در بازار» ارائه می‌دهد، در واقع تلاشی برای توجیه و عادی سازی ویرانه‌های جنگی و از دستاوردهای نکبتار «اقتصاد مقاومتی» است که بار دیگر برای سال ۱۴۰۵ نامگذاری شد. فراموش نشود اقتصاد مقاومتی سوخت ماشین جنگی است که رژیم از همان آغاز حاکمیت خود با حمله به سفارت آمریکا و گروگان‌گیری، حمله به سفارت عربستان و شعارهای مرگ بر این و آن، پایه ریزی کرد.

بخشنامه تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۵



سرانجام روز دوشنبه ۳۱ فروردین، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اطلاعیه‌ای بخشنامه تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۵ را ابلاغ کرد. بر اساس این بخشنامه: از اول سال ۱۴۰۵ «حداقل مزد روزانه» با نرخ یکسان برای کلیه کارگران مشمول قانون کار (اعم از قرارداد کار دائم یا موقت) «پانصد و پنجاه و چهار هزار تومان (پنج میلیون و پانصد و چهل و یک هزار و هشتصد و پنجاه ریال) تعیین می‌شود». بنابراین حداقل مزد در ماه حدود شانزده و نیم میلیون تومان و در نتیجه یک سوم خط فقر تعیین شده است. سال پیش روزنامه آسیا در شماره روز چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴ از «آب رفتن دستمزدها در گرداب تورم» گزارش منتشر کرد و نوشت: «تورم افسار گسیخته و تحلیل رفتن دستمزدها؛ تامین حداقل معیشت را دچار مشکل کرده است.» انکار نمی‌شود که این وضعیت برای مزدبگیران در سال جاری در ابعاد کلان تشدید شده و در نتیجه شکاف عمیق میان رشد هزینه‌های زندگی و میزان دستمزد افزایش کلان پیدا کرده است.



مسعود پزشکيان که پیش از جنگ از خالی بودن صندوق دولت برای پرداخت حقوق بازنشستگان و فرهنگیان و از بحران معیشتی سخن می‌گفت، در شرایط جنگ و ویرانی مدعی شده که «سیستم در حال کارکرد صحیح» است. از این حرف وقیحانه این نتیجه گرفته می‌شود که خروجی بمبارانها و ویرانی زیرساختها، بهبود اقتصاد و معیشت مردم است.

پزشکيان در آخرین سخن‌پراکنی خود در رسانه‌های حکومتی مدعی شد که: «توانستیم ماه مبارک رمضان و سال نو را بدون احساس کمبود و با ثبات قیمتها مدیریت کنیم... با لطف الهی و تلاشی که مدیران، مسئولان و وزرا انجام می‌دهند، آحاد ملت ایران در بازار کمبود نمی‌بینند و قیمتها نیز در این مدت تا حدودی ثابت بوده و تغییرات آنچنانی نداشته است.» (تسنیم، ۲۸ فروردین ۱۴۰۵)

در حالی که خیابانها با حضور از بسیجیها، نیروهای وابسته به حشدالشعبی، لشکر فاطمیون و... قرق شده و در ایستهای بازرسی به مردم شلیک می‌شود، پزشکيان از «همدلی مردم» در تحمل رنج و «دفاع ملی» تحت عنوان «پویش ملی» سخن می‌گوید. در شرایطی که نسخه‌ها در گلو خفه می‌شود و بازداشتهای گسترده ادامه دارد، تبلیغات رژیم بر همبستگی زیر شعار «دفاع از میهن» دروغی بیش نیست. دفاع از میهن برابر با دفاع از حکومت نیست و مردم آزاد نیستند که انتخاب کنند.

پیش از جنگ تحمیلی و کشتار دی‌ماه ۱۴۰۴، جامعه با اقتصادی بحرانی، تورم شدید، کاهش بی‌سابقه ارزش پول ملی، بیکاری گسترده و گسترش فقر و تنگدستی رو به رو بود. فوران خشم مردم که از اعتراضهای بازاربان آغاز شد، به سرعت به بخشهای دیگر کشیده شد؛ آن هم در پی افزایش نرخ دلار و تعطیلی کسب و کارها.

حاکمیت با کشتار خونین دی‌ماه و بهره‌گیری از شعارهای پوچ و نیز دخالتهای جنگ‌طلبانه جریان پهلوی خواه، کوشید سقوط خود را به تعویق بیندازد. چه جنگ ۱۲ روزه و چه جنگی که با حمله اسرائیل و آمریکا دوباره آغاز شد، هر دو برای حاکمیت به مثابه «نعمت» تلقی شده و بنابراین ورود به جنگ، همراه با تشدید سرکوب عریان، به عنوان سیاستی بازدارنده دنبال می‌شود.

معنی «شرایط مساعدی» پزشکيان

اینترنت از دی‌ماه عملاً قطع شده است؛ امری که به معنای تعطیلی کسب و کار میلیونها شهروند است. در ساختار حاکمیت، اینترنت به ابزاری سیاسی، امنیتی و حتی طبقاتی تبدیل شده است. فروردین ماه به پایان می‌رسد و هنوز وضعیت مزدبگیران روشن نیست. شورای عالی کار، بدون در نظر گرفتن تناسب هزینه سبد معیشت با نرخ تورم و در غیاب تشکلهای مستقل کارگری، در میانه جنگ، حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ را تعیین کرده؛ رقمی که حتی اعلام رسمی آن نیز به تعویق افتاده است.

مقدار افزایش حقوق کارمندان و کارگران همچنان مبهم است. بر اساس خبر ایلنا (۲۶ فروردین ۱۴۰۵)، «حداقل حقوق کارمندی از فروردین امسال قطعاً ۱۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است...»

چالشهای معلمان (فروردین ۱۴۰۵)

فرنگیس بايقره



سیامک صادقی چهرازی

در رویدادی دیگر، روز شنبه ۱۵ فروردین، رضا امانی فر، فعال صنفی معلمان بوشهر توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت شد. رضا امانی فر، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و عضو کانون صنفی معلمان بوشهر پیشتر نیز به واسطه فعالیتهای خود سابقه برخورد های قضایی را داشته است.

روز سه شنبه ۲۵ فروردین، محمدعلی زحمتکش، فعال صنفی معلمان استان فارس توسط نیروهای امنیتی در شیراز بازداشت شد. محمدعلی زحمتکش، پیشتر بواسطه فعالیت های صنفی خود، سابقه بازداشت و محکومیت را داشته است.

تا اطلاع ثانوی آموزش حضوری تعطیل است

روز یکشنبه ۳۰ فروردین، علی رضا کاظمی در جلسه شورای معاونان گفت: در شرایط فعلی و تا اطلاع ثانوی، برنامه‌ای برای آموزش حضوری نداریم و فعلا آموزشها به صورت مجازی ادامه خواهد داشت.

تجمع معلمان کارنامه سبز از استانهای مختلف کشور در تهران



روز یکشنبه ۳۰ فروردین، صدها تن از معلمان کارنامه سبز از استانهای مختلف کشور مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع زدند.

بر اساس گزارش ایلنا، معترضان خواستار استخدام رسمی خود در آموزش و پرورش شدند.

به گفته این معلمان، «آموزش و پرورش اجازه جذب ۷ هزار نیرو را دارد اما برای استخدام ما که از مهرماه ۱۴۰۴ در انتظار جذب و تعیین تکلیف هستیم، اراده ای نیست.»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، کولبرنیوز، ایلنا، هه نگاه، هرانا)

وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده تعداد دانش آموزان و معلمان کشته شده در جنگ آمریکا و اسرائیل با این ایران به ۳۴۴ نفر رسیده است. در این آمار اعلام شده، ۲۷۷ نفر دانش آموز و ۶۷ نفر معلم بوده اند.

حمله به مدرسه شجره طیبه در میناب در صبح شنبه نهم اسفند، تنها حدود چهار ساعت بعد از آغاز حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ایران، یکی از موضوعات پربحث از ابتدای جنگ بوده است که محکومیههای گسترده ای را در پی داشته است. بیشتر کشته شدگان، دانش آموزان دختر و پسر بین ۷ تا ۱۲ سال بودند.



خانواده های سوگوار بر مزار کودکان شان در میناب

بازرسی خانه ۵ فعال صنفی در شهرهای مختلف

روزهای سه شنبه ۲۵ و آدینه ۲۸ فروردین، خانه مجتبی گودرزی، عضو کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز، منوچهر آقایی، عضو انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه، محمد حبیبی، سخنگوی شورای هماهنگی فرهنگیان، پروین سلیمی، عضو هیاتمدیره کانون صنفی معلمان تهران و مسعود زینال زاده، عضو کانون صنفی معلمان تهران، توسط نیروهای امنیتی مورد بازرسی قرار گرفت. در جریان این بازرسیها، شماری از وسایل ارتباطی این افراد و خانواده های شان توسط مأموران توقیف شد.

تا لحظه تنظیم این گزارش، از دلایل بازرسی خانه این فعالان اطلاعی حاصل نشده است. این فعالان پیش تر نیز به دلیل فعالیتهای صنفی خود سابقه برخوردهای امنیتی داشته‌اند.

بازداشت فعالان صنفی در شهرهای مختلف

سیامک صادقی چهرازی، فعال صنفی معلمان در خوزستان و کوروش زهرابی، بختیار طاووسی و محمد شریفی در سقز، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. بازداشت آقای صادقی چهرازی در روز شنبه ۸ فروردین ۱۴۰۵ در خانه خود صورت گرفته و علت بازداشت این فعال صنفی معلمان، «استفاده از فیلترشکن» عنوان شده است. سیامک صادقی چهرازی پیش از این به دلیل فعالیتهای صنفی خود، سابقه بازداشت و برخوردهای قضایی را داشته است.

بر اساس گزارشهای منتشر شده سه شهروند توسط نیروهای امنیتی در سقز بازداشت شدند. هویت این شهروندان، کوروش زهرابی، بختیار طاووسی و محمد شریفی، است.

نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی وارد خانه این افراد شده و با اعمال خشونت به دلیل آنچه «نگهداری و استفاده از اینترنت ماهواره‌ای استارلینک» عنوان شده، این شهروندان را بازداشت کردند.

در سوگ درگذشت رفیق نسرين رضایی



با اندوه فراوان قلب زنی مهربان و انسانی آزادخواه و برابری طلب در روز یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ از طیش باز ایستاد. زنده یاد نسرين رضایی در سالهای دهه پنجاه خورشیدی مبارزه علیه دیکتاتوری شاه را آغاز کرد و پس از انقلاب بهمن به مبارزه علیه استبداد دینی و برای صلح، آزادی و عدالت ادامه داد و سرانجام پس یک دوره طولانی بیماری ما را ترک کرد.

از جانب خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت رفیق نسرين را به همسرش رفیق حیدر تبریزی و فرزندش مارال عزیز و به خانواده و بستگان او و به همه مدافعان صلح و آزادی تسلیت می گویم.

مهدی سام

سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۶



جوانان انقلابی ایران اقتدار و استبداد را در هیچ

چارچوب و لباسی بر نمی تابند

گلرخ ایرانی

و بدون داشتن نیروی پیاده به نجات نظم موجود و حفظ نظام کوشید.

نیاز به سیاهی لشکر است. برای حفظ ساختار قدرت. برای نجات اقتدارگرایی. بحث بقا و نابودی سیستم است و حفظ ساختار قدرتی که حاضر است در خود استحاله شود. لباس و کلامش را تغییر دهد. شعارهایش را عوض کند، ولی بماند. پس باید ائتلاف کرد و این ائتلاف میان نیروهایی که ساختارهایی مشابه دارند شکل می گیرد. میان اصلاح طلبان و سلطنت طلبان. هر دو در پی احیای قدرتی مطلقه و خواهان اقتدارگرایی.

اقتدار اصلاح طلبان را در دهه شصت تجربه کردیم. نیروی امنیتی، قضائی و نظامی در خدمتشان و اقدامات فرهنگی شان را زیستیم؛ و با سلطنت طلبان فارغ از پیشینه تاریخی استبدادی شان، با برنامه هایی برای احیای ساواک و شعارهایی ارتجاعی و حذفی که گویای خاستگاهی از رسیدن به جامعه ای تک صداست، آشنا هستیم.

نمی توان بدون توضیحی در مورد شبهات های «ولایت فقهی» و «ولایت سلطنتی» از دامن این ملعون به آغوش آن گجسته پناه برد و با ایجاد فضایی سانتیمانتال و نفی فضای انقلابی و تخریب یا نادیده نگاری انقلابیون به انتظار فروپاشی نشست. در قیاس میان مذهب و ملی گرایی نمی توان به استفاده حاکمان از ابزارهای ایدئولوژیک (مذهب و ناسیونالیسم) برای تحکیم قدرت و مشروعیت خود اشاره نکرد و فراموش کرد حاکمان اقتدار طلب برای تاسیس و حفظ قدرت خود به یکی از این دو عامل متکی هستند.

«مثلث قدرت» و _اتکای حاکمان بر نیروی نظامی و نیروی مذهبی_ راه، که در گذر زمان به _اتکای حاکمان بر نیروی نظامی و ناسیونالیسم_ تغییر کرد؛ و بهره ای که دیکتاتورها از مذهب یا ناسیونالیسم برای تحکیم قدرت و تهییج توده برده اند را از یاد نبریم. ناآگاهانه کمک کردن به شکل گیری اقتداری دیگر مسئولیت سنگینی به عهده مان می گذارد و چنانچه آگاهانه بر طبلی این چنین بکوبیم، جز اپورتونسیسم و بهره بردن از حس تحقیر شده مردمی تحت ستم هدفی نداریم.

بذری که محمدرضا پهلوی کاشت و ائتلافی که همواره با نیروهای مرتجع مذهبی داشت، به حذف نیروهای مترقی و پیشرو انجامید و به قدرت گرفتن اسلامگراها و حکومت آخوندی ختم شد.

جوانان انقلابی ایران، برآمده از بذری هستند که به واسطه بیش از یک قرن مبارزه علیه ستم و استثمار در ایران کاشته شد و هر یک حلقه ای هستند در زنجیر مبارزان راه آزادی. جوانان انقلابی ایران اقتدار و استبداد را در هیچ چارچوب و لباسی بر نمی تابند و جملات قصار روشنفکران فرصت طلب از مسیر مبارزه با اقتدارگرایی خارج شان نمی کند.

گلرخ ایرانی

فروردین ۱۴۰۴ / زندان اوین



همبندی سابقم «بهاره هدایت» در استودیوی مجازی که جمهوری اسلامی در تهران در اختیارش قرار می دهد می نشیند و با سلطنت طلبان اعلام همبستگی می کند.

با تحریک حس ناسیونالیستی مردمی که به سبب زیستن در سایه حکومتی دینی، هرگونه تمایلات ملی گرایانه شان تحقیر شد به تخریب نیروهای انقلابی برمی خیزد و با نادیده نگاری مخالفان رژیم، اپوزسیون را به جریان سلطنت طلب تقلیل می دهد.

ما و آنان همیشه با هم تفاوت داشتیم. آنان پیش از این نیز در تشکلهای مجاز دانشجویی و حزبی فعالیت می کردند. عضو دفتر تحکیم وحدتی بودند که توسط روح الله خمینی و با اشاره او کلید خورد و همیشه بر سفره ای که رژیم برای شان پهن کرد، نشستند و پای در رکاب قاتلان دهه شصت که بعدها با عنوان اصلاح طلبان اعلام موجودیت کردند، به کار سیاسی در جهت حفظ رژیم کوشیدند.

مانند ما در خانه خود بیگانه نبودند. در اختناق موجود مجاز به ثبت تشکیلات و تاسیس حزب بودند و امکان کار سیاسی همیشه برای شان مهیا بود.

اما ما از محذوفین و مطرودین هستیم. در جریانات حکومتی استحاله نشدیم و شرف را به بهای سهمی از گوشه میزی که رژیم تدارک دیدرها نکردیم و بهای ایستادگی مان را به طرد شدن از محافل مجاز پرداختیم.

مردم فریب نمی خورند و به یاد می آورند!

اصلاح طلبان بعد از دی ۹۶ پایگاه اجتماعی خود را برای همیشه از دست دادند. بیست سال تلاش فرزندان خاتمی نافرجام ماند و احزاب اصلاح طلب منحل و دفاترشان تعطیل یا به متروکه بدل شدند و اصلاح طلبان قدرت قانع کنندگی قبل را از دست دادند.

اصلاحات علاوه بر از دست دادن اقبال مردمی از درون ریزش کرد و جز بدنه ای نحیف از آن باقی نماند و نمی تواند مثل قبل ناجی رژیم باشد. آن هم در شرایطی که رژیم در سراسر سقوت است و دیگر نمی توان با گشودن راه و روزنه

از اعدام تا سازماندهی نیروهای سرکوب در خیابان

زینت میرهاشمی



با گذشت پنج هفته از جنگ تحمیلی و ارتجاعی، مردم نه از آسمان امنیت دارند و نه در خیابان و خانه های خود. از یکسو جان شان با بمبهای اسرائیل و آمریکا تهدید می شود و از سوی دیگر، در خیابان زیر شمشیر عریان نظام قرار دارند. اقدامهای سریالی و ممتد، شکنجه و اعتراف گیری و... هر صدای مخالفی در برابر سیاست ماجراجویانه و جنگ طلبانه حکومت، با اتهام «جاسوسی» در گلو خفه می شود. حتی اگر این صدا از سوی ماله کشان و دلسوزان حکومت ولایی باشد، مورد غضب باند غالب قرار می گیرد.

در حالی که از یکسو لشکرهای وابسته به سپاه تروریستی قدس، از فاطمیون و زینبیون تا حشدالشعبی در خیابانهای ایران رژه می روند و از سوی دیگر، سپاه پاسداران شبها با گسیل بسیجیها به خیابانها و روزها با برپایی ایستهای بازرسی، امنیت فیزیکی و روانی مردم را به بازی گرفته است، محسنی اژه ای بار دیگر، در روز شنبه ۱۵ فروردین، شهروندان را به عنوان «عناصر مخل امنیت روانی و فیزیکی مردم و پیاده نظام دشمن» به «اشد مجازات» تهدید کرد. (تسنیم ۱۵ فروردین) این تهدید در عمل با قتل رسیدن حسین غاوی (سیالوی)، شهروند ۲۸ ساله عرب و دارای معلولیت در اهواز، در زیر شکنجه در اطلاعات سپاه پاسداران به جرم تصویر برداری از مناطق بمباران شده، خود را نشان داد.

روز دوشنبه ۱۰ فروردین، اکبر دانشور کار ۵۸ ساله و محمد تقوی ۵۹ ساله؛ روز سه شنبه ۱۱ فروردین، پویا قیادی ۳۳ ساله و بابک علیپور ۳۴ ساله و روز شنبه ۱۵ فروردین، ابوالحسن منتظر و وحید بنی عامریان توسط جلاخان رژیم سر به دار شدند.

هر ۶ زندانی سیاسی اعدام شده، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بودند. روز آدینه ۱۴ فروردین، امیرحسین حاتمی، جوان معترض و شورشگری که ظلم را برتابید و در قیام خونین دی ماه شرکت فعال داشت، اعدام شد. او تنها ۱۸ سال داشت.

روز یکشنبه ۱۶ فروردین، جنایتکاران دو شورشگر راه آزادی به نامهای محمدامین بیگلری و شاهین واحدپرست، از بازداشت شدگان قیام خونین دی ماه ۱۴۰۴ را سر به دار کردند.

جان زندانیان سیاسی در خطر جدی است. پس از انتقال زندانیان قزلحصار به بندهای انفرادی در شامگاه ۹ فروردین، اعدامها از دوشنبه ۱۰ فروردین آغاز شد. جان زندانیان در بند انفرادی که در اعتصاب غذا به سر می برند، در معرض خطر اعدام قرار دارد.

اینکه رژیم حتی در شرایط جنگی، زیر بمباران و آتش، دست به اعدام زندانیان سیاسی می زند، نشاندهنده ترس از بروز خیزش و خشم انقلابی در کف خیابان است. همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات ظالمانه اعدام، بیش از هر زمان دیگری ضروری است.

فراسوی خبر دوشنبه ۱۷ فروردین

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۱۴۰۵)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

بر اساس گزارش سالانه نهاد آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در سال ۱۴۰۴، گزارشات تعویق یا عدم پرداخت حقوق کارگران دستکم ۶۷۲ ماه در ۱۸۸ واحد صنعتی - خدماتی، ۲,۴۵۷ اخراج یا تعدیل، ۶۵۸ مورد بیکاری، ۵۶۰ ماه نبود بیمه کار، ۹ مورد تعطیلی کارخانه، ۲,۲۵۹ کارگر بلاتکلیف در حوزه کار گزارش شده است. (هرانا)

در اولین ماه سال جاری به علت شرایط جنگی، به جز چند حرکت اعتراضی، شاهد کُنش مداوم توده ای نبودیم. با وجود جنگ و راهکارهای سرکوبگرانه حکومت، امکان تحرک اعتراضی از نیروهای کار را گرفته شده بود و تنها سه کُنش از جانب نیروهای کار پوشش رسانه ای پیدا کرد که در این مجموعه آن را می خوانید.

در همین زمان به علت قطع اینترنت دستیابی ساده به رسانه های حکومتی وجود نداشت و اخبار زندگی و معیشت نیروهای کار به ندرت برای ما قابل دسترسی بود. با این حال از میان خبرهای جسته و گریخته، برخی ابعاد فاجعه بار زندگی مردم می شود.

روزنامه حکومتی دنیای اقتصاد در شماره روز پنجشنبه ۲۷ فروردین، با ارائه سه سناریو درباره تورم سال ۱۴۰۵، نوشت که نرخ تورم در ایران در صورت توافق با ایالات متحده، در «خوش بینانه ترین حالت» ۴۹ درصد خواهد بود. به گمان دنیای اقتصاد در تداوم «وضعیت نه جنگ نه صلح» یعنی وضعیتی مشابه پس از جنگ ۱۲ روزه تا پیش از حمله آمریکا و اسرائیل در اسفند ماه، به تورم ۶۷ درصدی می رسد و در صورتی که جنگ ادامه پیدا کند، ایران با ابرتورم ۱۲۳ درصدی خواهد رسید.

دوشنبه ۱۷ فروردین

*کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی، به دنبال تصمیم کارفرما مبنی بر تعطیلی کارخانه، اخراج کارگران و جلوگیری از ورودشان به این واحد تولیدی انواع میلگرد دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که سابقه کار ۱۵ تا ۲۰ ساله در کارخانه فولاد سیادن دارند، گفتند: کارفرمای کارخانه فولاد سیادن به بهانه انباشت بدهیها به اداره برق و گاز قصد تعطیلی کارخانه را دارد. وی اخیرا با چسباندن نامه تعطیلی موقت کارخانه و تعدیل کارگران، مانع از ورود نیروها به کارخانه شده و از کارگران در خواست کرده با مراجعه به واحد اداری نامه عدم نیاز خود را برای دریافت مقرری یمه بیکاری دریافت کنند. کارگران فولاد سیادن ابهر با دو ماه حقوق معوقه افزودند: این کارخانه هیچ مشکل خاصی در زمینه تولید و فروش محصولات خود ندارد. در حال حاضر اگر مشکل اتصال برق کارخانه حل شود ما امکان تولید انواع میلگرد را حتی در سه شیفت داریم.

شنبه ۲۹ فروردین

*کارگران بیکار شده پروژه ساخت فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام در اعتراض به بی توجهی کارفرما به وضعیت بازگشت به کار، ابتدا مقابل ساختمان اداره کار ایلام و سپس برای رساندن صدای اعتراض شان اجتماع صنفی خود را از محل اداره کار ایلام به مقابل ساختمان فرمانداری چوار انتقال دادند. به گزارش ایلنا، حدود ۳۵۰ کارگر تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «جهانپارس» در فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام واقع در شهرستان چوار مشغول به کارند که از ابتدای مهرماه سال گذشته تا هم اکنون، بیش از ۱۵۰ نفر از آنها که بومی شهرستان هستند، پس از اتمام قرارداد کار بیکار شده اند.

کارگران گفتند: تا این لحظه از اعتراض مان در مقابل اداره کار و فرمانداری نتیجه ای نگرفته ایم اما نمایندگان ما همچنان با مسئولان این نهاد دولتی در حال مذاکره هستند.

یکشنبه ۳۰ فروردین

*شماره ای باز نشستگان تامین اجتماعی شوش مقابل ساختمان تامین اجتماعی این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. بر اساس گزارش ایلنا، این باز نشستگان با تأکید بر ارتباط حیاتی این مصوبه با معیشت و زندگی میلیون ها کارگر و بازنشسته، خواستار تسریع در ابلاغ و اجرای مصوبه مزدی شورای عالی کار شدند. باز نشستگان مذکور با اشاره به افزایش هزینه های زندگی و بی توجهی به وعده های داده شده از مسئولان خواستند اقدامات عملی برای ابلاغ مصوبه مزدی و بهبود شرایط باز نشستگان در نظر گرفته شود.

همسان سازی حقوق ها، افزایش دریافتی های متناسب با هزینه های زندگی، رفع مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی و اجرای ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی جهت دریافت خدمات درمانی رایگان، از جمله خواسته های باز نشستگان معترض است.

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام اسامی ۲۱ تن از زندانیان اعدام شده در فروردین ۱۴۰۵

تأثیر جنگ بر زندگی مردم؛ تورم، بیکاری و گسترش فقر

زینت میرهاشمی

این روزها، در کنار نمایش ویرانی خانه‌های مردم، سوپرمارکت‌هایی در ایران به نمایش گذاشته می‌شود که در آنها کالاهای گوناگون چیده شده و چنین القا می‌شود که کمبودی وجود ندارد. مسعود پزشکیان نیز مدعی شد که در ماه رمضان همه چیز به‌خوبی مدیریت شده و مردم با کمبود مواجه نبوده‌اند.

اما او گفت چه درصدی از مردم توان خرید این کالاها را دارند، یا چه تعداد از مردم شهیا گرسنه سر بر بالین می‌گذارند. کمبود واقعی را باید در سفره‌های خالی، شکم‌های گرسنه و جیب‌های خالی اکثریت جامعه دید.

پیش از جنگ نیز، تورم بالا، حذف ارز ترجیحی، کمبود دارو، ناهماهنگی دستمزد با هزینه‌های زندگی، حقوق‌های معوقه، مشکلات بازنشستگان و بیکاری گسترده، از بحران‌های اصلی بودند. در چنین شرایطی از «شورش گرسنگان» نیز سخن گفته می‌شد و قیام دی‌ماه بازتابی از همین وضعیت بود. اکنون می‌توان دید جنگ ۴۰ روزه چه فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد کرده است.

بر اساس گزارش روزنامه دنیای اقتصاد (۲۹ فروردین)، پس از جنگ، هزینه سبد خوراکی خانوار به ۸۵ درصد درآمد یک خانواده رسیده است. در این گزارش آمده: «هزینه تأمین سبد استاندارد خوراکی برای یک خانوار چهار نفره به ۲۵ میلیون و ۱۵۹ هزار تومان رسیده است.» این در حالی است که مصوبه شورای عالی کار (که هنوز اجرایی نشده) حداقل مزد یک کارگر متأهل با دو فرزند را حدود ۲۹ میلیون و ۵۷۵ هزار تومان تعیین کرده است.

در همین گزارش، افزایش قیمت‌ها نیز قابل توجه است: روغن آفتابگردان با رشد ۳۶۶ درصدی رکورددار تورم خوراکیها بوده و پس از آن گوشت مرغ با ۷۵ درصد، گوشت گوساله با ۶۸ درصد و پنیر با ۵۱ درصد افزایش قیمت مواجه شده‌اند.

غلامحسین محمدی، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرده است جنگ اخیر موجب از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم حدود دو میلیون نفر شده است. (خبرگزاری کار)

همچنین قطع اینترنت نیز به تعطیلی گسترده کسب و کارها منجر شده است. بر اساس اظهارات رئیس کمیسیون کسب و کار، خسارت مستقیم روزانه آن ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار برآورد می‌شود و با احتساب خسارات غیرمستقیم، این رقم به ۷۰ تا ۸۰ میلیون دلار می‌رسد.

آنچه امروز نیروهای کار، بازنشستگان و بیکاران با آن مواجه‌اند، نتیجه سیاستی است که تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» شناخته می‌شود؛ سیاستی که در عمل، ثروت عمومی را در مسیر جنگ‌افروزی و تنش‌آفرینی منطقه‌ای به کار گرفته و معیشت مردم را به فلاکت کشیده است.

فراسوی خبر ... سه شنبه اول اردیبهشت

یکشنبه ۱۶ فروردین: شاهین واحدپرست و محمدامین بیگلری در کرج. **۲ نفر**

دوشنبه ۱۷ فروردین: علی فهیم در تهران. **۱ نفر**



چهارشنبه ۱۹ فروردین: ناصر طاهری و یحیی معصومی در زنجان. **۲ نفر**

چهارشنبه ۲۶ فروردین: علی ظهرابی در کاشان / محمد حیدری و عابد شرفی در کرمانشاه. **۳ نفر**

پنجشنبه ۲۷ فروردین: محمود نورانی گرگری در اردبیل / فیروز محمدی در خرم‌آباد. **۲ نفر**

آدینه ۲۸ فروردین: عباس یآوری در اثر شکنجه در شیراز. **۱ نفر**

دوشنبه ۳۱ فروردین: حامد ولیدی و محمد (نیما) معصوم شاهی در کرج. **۲ نفر**



بر پایه گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر در ایران، در سال ۱۴۰۴، دست کم ۳۴۸۸ شهروند از جمله ۶۳ زن و ۲ کودک-مجرم اعدام شدند. از این میزان حکم ۱۳ نفر در ملاعام به اجرا درآمد.

دوشنبه ۱۰ فروردین: اکبر دانشور کار و سید محمد تقوی سنگدهی. **۲ نفر**



سه شنبه ۱۱ فروردین: بابک علی پور و پویا قبادی در کرج. **۲ نفر**



پنجشنبه ۱۳ فروردین: امیرحسین حاتمی. **۱ نفر**



شنبه ۱۵ فروردین: وحید بنی‌عامریان و ابوالحسن منتظر در کرج. **۲ نفر**



شنبه ۱۵ فروردین: حسین غاوی (سیلاوی) زیر شکنجه در اهواز. **۲ نفر**

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۱۴۰۵)

هنر مقاومت

تداوم بازداشت و بلاتکلیفی سیما انبایی فریمانی



با گذشت نزدیک به چهار هفته از بازداشت سیما انبایی فریمانی، بازیگر تئاتر و شاعر ۳۴ ساله اهل فریمان، وی همچنان در زندان وکیل آباد مشهد در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برد و از حقوق ابتدایی خود محروم است. او از فعالان مدنی فریمان و یک چهره شناخته شده فرهنگی این شهر است. سیما انبایی فریمانی به ویژه در ایجاد برنامه‌های فرهنگی برای جوانان و فعالیتهای اجتماعی محلی مشارکت داشته است.

او از اسفند ۱۴۰۴ در زندان وکیل آباد مشهد به اتهام «لیدری اعتراضات فریمان» و «جاسوسی» و بدون دسترسی به وکیل یا تماس منظم با خانواده نگهداری می‌شود؛ وضعیتی که نهادهای حقوق بشری آن را نقض جدی حقوق متهم توصیف کرده‌اند.

بازداشت او یکی از نمونه‌های قابل توجه در موج دستگیری زنان فعال در ماه‌های پس از جنگ است. گزارش‌های حقوق بشری نشان می‌دهد که در ماه‌های اخیر زنان فعال در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و مدنی با اتهامات امنیتی با الگوی بازداشت‌های ناگهانی و بدون دسترسی به وکیل روبرو بوده‌اند.

بیانیه‌های اعتراضی هنرمندان تئاتر در دوره جنگ



در پی تشدید فضای امنیتی و فشارهای غیررسمی بر هنرمندان برای همراهی با روایت رسمی جنگ، چندین گروه و صنف تئاتری در هفته‌های اخیر بیانیه‌های اعتراضی منتشر کرده‌اند. این بیانیه‌ها که در شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های صنفی بازتاب یافته، تصویری از تلاش حکومت برای آلت‌دست کردن هنرمندان در جریان جنگ است.

در این بیانیه‌ها هنرمندان تئاتر گفته‌اند از آنها خواسته شده در برنامه‌های «روحیه بخش» شرکت کنند یا در حمایت از سیاست‌های رسمی جنگ موضع بگیرند و این درخواستها با

«تذکرات غیررسمی» همراه بوده است. برخی از این انجمنها و تشکلهای غیررسمی می‌گویند که هرگونه سکوت یا عدم همراهی، به‌عنوان «موضع‌گیری منفی» تلقی شده و پیامدهای اداری و امنیتی داشته است.

بخش دیگری از این بیانیه‌ها به بازداشت هنرمندان و فعالان فرهنگی اشاره دارد و از نبود شفافیت در پرونده‌ها و محدودیت دسترسی به وکیل انتقاد می‌کند. هنرمندان تاکید کرده‌اند که برخوردهای امنیتی با جامعه تئاتر، «فضای خلاقیت را مختل کرده» و «تئاتر را از نقش اجتماعی خود دور می‌کند». این بیانیه‌ها فضای موجود را «خفقان‌آور» توصیف می‌کنند.

موسیقی

پخش کنسرت خواننده زن لبنانی در باغ فردوس



پخش ویدیویی از کنسرت «جولیا پطرس»، خواننده زن لبنانی، در محوطه باغ فردوس تهران موجی از واکنشها و پرسشهای انتقادی را در شبکه‌های اجتماعی و میان فعالان فرهنگی برانگیخت. این اتفاق در حالی رخ داد که رژیم ایران خوانندگی زنان را ممنوع کرده، خوانندگان زن یا حتی نوازندگان زن را مورد پیگرد قرار می‌دهد. جالب اینجاست که باغ فردوس در ماه‌های گذشته محل برخوردهای امنیتی و سرکوبگرانه با تجمعات و اعتراضات زنان بوده است.

علت تغییر رویه ناگهانی حکومت نزدیکی جولیا پطرس به حزب‌الله لبنان، گروه دست‌نشانده جمهوری اسلامی، است. حزب‌الله در برخی از مراسم یا کنسرت‌هایی که به عنوان «جشن مقاومت» برگزار می‌کند، از این خواننده لبنانی به عنوان ویرترین بیرونی بهره می‌برد. همچنین ترانه‌ها و برنامه‌های جولیا پطرس در شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های نزدیک به حزب‌الله پخش می‌شود. با این حال خود او می‌گوید که به سیاست کاری ندارد و در باره «مقاومت، مبارزه و وطن‌دوستی» می‌خواند.

گنجینه‌های ملی

آسیب‌پذیری میراث تاریخی در حملات اخیر

رضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در گزارشی رسمی از آسیب گسترده به آثار تاریخی کشور در پی حملات اخیر خبر داد. به گفته او، حدود ۱۴۰ اثر

تاریخی در ۲۰ استان دچار خسارت شده‌اند و میزان این خسارات حدود ۷.۵ همت برآورد شده است.

صالحی‌امیری اعلام کرد که تهران، اصفهان و چند استان دیگر بیشترین آسیب را دیده‌اند و برخی بناهای شاخص مانند کاخ گلستان، چهل‌ستون و بخشهایی از مجموعه سعدآباد نیز صدمه دیده‌اند.



این فیلم درام محصول مشترک فرانسه، آمریکا، ایتالیا و بلژیک و اقتباسی آزاد از فیلم «داستان کوتاه درباره عشق»، اثر «کریستف کیشلوفسکی»، فیلمساز نامدار و فقید لهستانی است و در آن

بازیگر سرشناس فرانسوی «ایزابیل هوبر» نقش اصلی را ایفا می‌کند و چهره‌هایی چون «پیرینی افریا»، «ونسان کسل»، «پیر نینی» و «کاترین دونو» حضور دارند. اصغر فرهادی پیشتر با فیلم‌هایی چون «گذشته»، «فروشنده»، «همه می‌دانند» و «قهرمان» در جشنواره فیلم کن حاضر بود و جایزه بزرگ و بهترین فیلمنامه این جشنواره مهم را دریافت کرده است.

از دیگر سینماگران ایرانی نام فیلم «تمرین‌هایی برای یک انقلاب» ساخته پگاه آهنگرانی در بخش نمایش‌های ویژه اعلام شد.

پگاه آهنگرانی که پیشتر به عنوان بازیگر در جریان رسمی سینمای ایران فعالیت می‌کرد پس از خروج از ایران با ساخت مستندهایی چون «من سعی می‌کنم فراموش نکنم» و «پدر» در جشنواره‌های مهم حوزه مستند از جمله «ایدفا» هلند حاضر بوده است.

«پارک چان‌ووک»، فیلمساز اهل کره جنوبی، ریاست هیات داوران این دوره را برعهده خواهد داشت.

ادبیات

روایتی خشمگین از نظام اخلاق‌گرایانه ایرلند



کتاب «سقوط‌کردگان: خشک‌شویی‌های مگدالن و میراث سکوت ایرلند» *Fallen: Magdalene Laundries and the Silence of Ireland* نوشته «لوئیز برانگان» Louise Brangan، پژوهشگر و دارای دکترای حوزه جرم‌شناسی، تصویری هولناک و مستند از «خشک‌شویی‌های مگدالن» ارائه می‌دهد؛ مؤسسه‌ای که در بخش بزرگی از قرن بیستم دختران و زنان ایرلندی را بدون محاکمه، بدون دستمزد و تحت انضباطی خشن زندانی می‌کردند. این مراکز که توسط دولت تاسیس و توسط راهبه‌ها اداره می‌شدند، در عمل به بزرگ‌ترین نهاد زندان زنان در ایرلند تبدیل شده بودند.

برانگان با روایت‌هایی مانند داستان «ایلین» ۱۵ ساله که بدون جرم مشخص توسط اعضای یک سازمان مذهبی ربوده و به خشک‌شویی فرستاده شد، نشان می‌دهد چگونه زنان و دختران به‌سادگی در این نظام اخلاق‌گرایانه گرفتار می‌شدند. بسیاری از آنان تنها به‌دلیل «سرکشی»، «بی‌خانمانی» یا «طردشدگی» زندانی می‌شدند.

کتاب همچنین به دیگر مؤسسات مشابه، مانند خانه‌های مادر و نوزاد اشاره می‌کند؛ جایی که هزاران زن و کودک در شرایطی غیرانسانی نگهداری شدند و بعدها گورهای جمعی نوزادان کشف شد. با وجود پرداخت میلیون‌ها یورو غرامت توسط دولت ایرلند، بسیاری از بازماندگان می‌گویند که آسیب‌های روانی این تجربه هرگز از زندگی‌شان پاک نخواهد شد.

(منابع: جنگ خبر، هنگاو، رادیوفردا، ایستناگرام، ایلنا، گاردین، تانباک)

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۴۰۵)

بقیه از صفحه ۱۰



او افزود که گزارش کامل خسارت به دولت ارائه شده و مکاتباتی با نهادهای بین‌المللی از جمله یونسکو و ایکوموس انجام شده، هرچند واکنشها به طور عمده در حد «ابراز تأسف» بوده است. لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی سالهاست

از پرداخت حق عضویت در یونسکو خودداری کرده است.

وی تأکید کرد که مرمت اضطراری برخی آثار آغاز شده و پیگیریها برای تامین منابع مالی و جلب حمایت‌های بین‌المللی ادامه دارد.

پیش از شروع جنگ، کارشناسان به طور مکرر هشدار داده بودند که بسیاری از بناهای تاریخی به دلیل زلزله، فرسایش، نشست زمین، آتش‌سوزی و رطوبت آسیب‌پذیر هستند و به فقدان برنامه جامع برای مدیریت بحران اشاره کرده بودند. حملات اخیر ابعاد این آسیب‌پذیری را آشکارتر و انتقادها را تشدید کرده است.

سینما

خانه سینما؛ تکرار وعده‌ها، غیبت راه‌حله‌ها



نشست مشترک صنوف سینمایی با مدیران خانه سینما بار دیگر نشان داد که مشکلات اصلی سینماگران همچنان بی‌پاسخ مانده است. در حالیکه وضعیت معیشتی، بیمه، بیکاری، رکود تولید و آسیب‌های ناشی از قطعی اینترنت ماه‌هاست صنف را تحت فشار

گذاشته، گزارش همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما، بیشتر شامل شرح دیدارها، قولها و فعالیت‌های نمادین بود تا ارائه راه‌حلهای عملی.

وی بسیاری از ناکامیها و مشکلات را به شرایط جنگی ارجاع داد، در حالیکه بخش عمده مشکلات پیش از این شرایط هم وجود داشته و پیگیریها همچنان در سطح کلیات باقی مانده است.

بخش قابل‌توجهی از فعالیتها در گزارش ارائه‌شده توسط مدیرعامل خانه سینما، به شرکت در مراسم ترتیب داده شده توسط حکومت مانند بازدید از مناطق آسیب‌دیده یا تقدیر از امدادگران اختصاص داشت. این اقدامات هرچند دستمایه تبلیغات حکومت به نفع خود می‌شوند، اما هیچ‌یک پاسخ مستقیم به بحران معیشتی و حرفه‌ای سینماگران نیست.

برخی گزارشها حاکی از آن است که در جلسات داخلی خانه سینما، انجمن‌های هنری و نهادهای وابسته به وزارت ارشاد از هنرمندان خواسته شده که در «فضای جنگی» موضع همدلانه با دولت بگیرند. این درخواستها معمولاً با عباراتی مانند «وظیفه ملی»، «حمایت از روحیه مردم» یا «حفظ انسجام» مطرح شده است.

در نهایت، جلسه‌ای که قرار بود نقشه راه ارائه دهد، بیشتر به تکرار مشکلات قدیمی و وعده‌های مبهم انجامید؛ در حالی که اهالی سینما بیش از هر زمان دیگر به راه‌حلهای واقعی و فوری برای حل مشکلات صنفی و معیشتی خویش نیاز دارند.

فیلم‌های تازه اصغر فرهادی و پگاه آهنگرانی در جشنواره کن

برگزارکنندگان جشنواره فیلم کن روز پنجشنبه، ۲۰ فروردین اسامی فیلم‌های پذیرفته شده در دوره سال ۲۰۲۶ این رویداد سینمایی معتبر دنیا را اعلام کردند و نام ساخته تازه اصغر فرهادی، کارگردان تقدیر شده ایرانی با نام «داستانهای موازی» در میان فیلم‌های بخش مسابقه به چشم می‌خورد.

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۱۴۰۵)

اسد طاهری

سازمان ملل ندارد. دلیل آن به خیزش «زن، زندگی، آزادی» و لغو عضویت ایران در ۱۴ دسامبر ۲۰۲۲ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) برمی گردد. این شورا طی یک قطعنامه، جمهوری اسلامی ایران را از کمیسیون مقام زن ملل متحد (CSW) اخراج کرد. این اخراج برای باقی مانده دوره عضویت چهارساله ایران (۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶) اعمال شد. این تصمیم در واکنش به سرکوب اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی و با هدف حمایت از حقوق زنان و دختران ایرانی اتخاذ شد و نخستین بار در تاریخ کمیسیون مقام زنان بود. دسترسی به عدالت برای زنان در ایران با چالشهای عمیق ساختاری و حقوقی مواجه است که ریشه در نابرابریهای قانونی و ضعف در حمایتهای قضایی دارد. در برخی حوزه ها، ارزش شهادت دادن زنان کمتر از مردان تلقی می شود و در مواردی مانند دیه، این نابرابری به صورت صریح در قانون دیده می شود. همچنین در قوانین خانواده، حق طلاق عمدتاً در اختیار مردان است و مسائل مربوط به حضانت و ولایت کودک نیز غالباً به نفع پدر تنظیم شده اند. از سوی دیگر، فقدان قانون جامع برای مقابله با خشونت علیه زنان و تعریف محدود و کم رنگ از خشونت خانگی، امکان پیگیری موثر این موارد را کاهش می دهد. این نابرابریهای قانونی در کنار روندهای پیچیده، پرهزینه و طولانی دادرسی، دسترسی عملی زنان به عدالت را بیش از پیش محدود می کند.

اعدام ۶۸ زن در سال ۱۴۰۴؛ نماد خشونت سیستماتیک علیه زنان در ایران



سال گذشته دستکم ۶۸ زن در ایران اعدام شدند؛ فعالان حقوق بشر این وضعیت را نتیجه تبعیض سیستماتیک می دانند. نهادهای حقوق بشری این آمار را نتیجه مستقیم ساختار قانونی و اجتماعی می دانند که زنان را به شهروندان درجه دو تبدیل کرده و آنها را در معرض خشونت و مرگ قرار می دهد.

سازمانها و نهادهای حقوق بشری اعلام کرده اند که ایران در سال گذشته، رکورد اعدام زنان را در جهان ثبت کرده است. بررسی پروندههای این زنان نشان می دهد که بسیاری از آنها قربانی خشونت خانگی، ازدواج اجباری در سنین کودکی، فقر و یا جرایم مرتبط با مواد مخدر بوده اند.

فعالان حقوق زنان می گویند که سیستم قضایی و قوانین جاری ایران، زن بودن را به معنای تابعیت و حاشیه ای بودن تعریف می کند و دسترسی زنان به حق طلاق، حمایت قانونی یا امکان دفاع از خود را محدود می کند. به گفته کارشناسان، این محدودیتها باعث شده که بسیاری از زنانی که سالها در شرایط خشونت آمیز زندگی کرده اند، در دفاع از خود یا فرزندان شان به اتهاماتی چون قتل همسر متهم و نهایتاً اعدام شوند.

همچنین درصد قابل توجهی از اعدام شدگان، کودک همسرانی هستند که به دلیل فشارهای روانی و اجتماعی زندگی اجباری، دست به جرایم زده اند. زنان اعدام شده در جرایم مواد مخدر اغلب از فقیرترین اقشار جامعه بوده اند و بسیاری به عنوان قربانیان قاچاق یا سوءاستفاده خانواده در این چرخه گرفتار شده اند.

حقوقدانان و فعالان اجتماعی هشدار می دهند که ادامه این روند نه تنها نشاندهنده خشونت دولتی علیه زنان است، بلکه تضييع حقوق انسانی و عدالت را در ایران به شکل جدی تهدید می کند و نیاز فوری به اصلاحات قانونی و حمایت از زنان را ضروری می سازد. محدودیتها قانونی علیه زنان می دانند.

در مذاکرات دولتهای آمریکا و ایران در پاکستان هیچ زنی در این نشست وجود نداشت. (جی دی ونس، ویت کاف، کوشنر از آمریکا و قالیباف، عراقچی، باقری کنی از ایران و آصف منیر از پاکستان). این رویداد نه به خاطر «تصادف»، بلکه چون این میز از اساس برای مردانی چیده شده که زبان شان زبان سلطه است: امنیت، مرز، انرژی، ارتش. اینجا صلح را همانهایی می نویسند که جنگ را می سازند.



آیا ویرانی فقط بر مردان فرود می آید؟ نه. بار جنگ بر دوش زنان، کودکان، مهاجران و کارگران خرد می شود، بر کسانی که هرگز اجازه نیافته اند در تصمیم گیری حضور داشته باشند. آنها موضوع سیاستند، نه سوژه آن. میز مذاکره ادامه همان ماشین مردسالار قدرت است: اتاقهای بسته، زنان حذف شده، زندگیهایی که به «متغیر» تقلیل یافته اند. ژنرالها و دیپلماتها، تقریباً همگی مرد، برای جهانی تصمیم می گیرند که هرگز بهای تصمیمهای شان را مثل مردم عادی نمی پردازند.

جنگ و صلح این دولتها دو روی یک سکه اند؛ بازتولید نظم سرمایه داری جهانی. نظمی که از ویرانی تغذیه می کند، از نابرابری سود می برد و از سرکوب برای بقا استفاده می کند. اینها قرارداد صلح نمی نویسند؛ قرارداد تداوم سلطه را امضا می کنند. مساله فقط «نبودن زنان» نیست؛ مساله انحصار قدرت در دست اقلیتی است که خود را قیام زندگی میلیونها انسان می داند. اضافه کردن چند چهره زن به همین ساختار، فقط آرایش همان سلطه است، نه پایان آن.

صلحی که بدون حضور واقعی مردم، بدون صدای فرودستان و آسیب دیدگان، بدون زنان نوشته شود، صلح نیست، آتش بسی است برای نفس گرفتن قدرت، تا با صورتی ترمیم شده بازگردد.

زنان در سوی دیگر ایستاده اند؛ نه با دولتها، نه با جنگهای شان، نه با صلحهای دروغین شان. در کنار زندگی می ایستند در برابر هر نظمی که آن را می بلعد. برای آزادی، برای برابری، برای پایان دادن به هر شکل از سلطه: سلطه امپریالیستی، طبقاتی، جنسیتی، اتنیکی و نژادی. برای جهانی که در آن، هیچ کس موضوع تصمیم دیگران نباشد. (نقل از متن اعتراضی رکسانا تلامی در اینستاگرام)

عدالت جنسیتی در جهان: دستاوردهای شکننده و چالشهای پیش رو



هفتادمین نشست کمیسیون مقام زن سازمان ملل (CSW70) از ۹ تا ۱۹ مارس ۲۰۲۶ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار شد. تم این نشست «تضمین و تقویت دسترسی به عدالت برای همه زنان و دختران» بود و محورهای چون «ترویج نظامهای حقوقی عادلانه و برابر»، «حذف قوانین تبعیض آمیز» و «رسیدگی به موانع ساختاری که مانع دسترسی زنان به عدالت می شوند» را در بر می گرفت.

الهه امانی در رسانه خط صلح می نویسد: در این اجلاس بیش از ۱۵ هزار شرکت کننده و بیش از ۵ هزار سازمان (حضوری و در فضای مجازی) از ۱۳۹ کشور شرکت کردند. البته چالشهای زنان از کشورهای دیگر به ویژه جهان جنوب برای حضور در این اجلاس بیش تر از سالهای پیش برآورد شده است. ایران در این اجلاس حضور رسمی به عنوان عضو کمیسیون مقام زن

«همبستگی زنان برای آموزش و حق تعیین سرنوشت»

روز ۲۳ فروردین، همایش «همبستگی زنان برای آموزش و حق تعیین سرنوشت در افغانستان»، در تالار شهر وین، با حضور گسترده فعالان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افغانستانی در اروپا و امریکا، همراه با شماری از مقامهای اتریش برگزار شده است.



گل چهره بفتلی، فعال حقوق زن، در حساب کاربری اکس خود نوشته که این همایش به هدف پشتیبانی از حقوق زنان و دختران در حاکمیت طالبان برگزار و در آن بر نقش همبستگی در حمایت از حقوق آنان تأکید شده است.

در همایش همبستگی زنان برای آموزش و حق تعیین سرنوشت، هم چنان جایزه «رابعه بلخی» به پنج چهره برجسته فرهنگی و اجتماعی اهدا شد. منیژه باختری، سیاستمدار، نویسنده و سفیر افغانستان در اتریش، در کنار فرنگیس میرزاد، فربیا صادق، فوزیه میترا و حقیقه واحد از جمله دریافت‌کنندگان این جایزه بودند. این جایزه به پاس تلاشهای آنان در عرصه حقوق زنان و ترویج فرهنگ افغانستان اهدا شده است.

برگزارکنندگان این همایش تأکید کردند که تداوم چنین برنامه‌هایی می‌تواند توجه جامعه جهانی را به وضعیت زنان در افغانستان افزایش دهد و زمینه ساز تغییرهای مثبت شود. همایش همبستگی زنان برای آموزش و حق تعیین سرنوشت، به مناسبت ۳۰مین سالگرد فعالیت انجمن فرهنگی «AKIS» و بیست و ششمین سالگرد انتشار مجله «بانو» برگزار شده است.

این در حالی است که زنان افغانستان پس از سال ۲۰۲۱ با محدودیتهای گسترده در زمینه‌های آموزش، کار و مشارکت اجتماعی رو به رو شده‌اند. با وجود تلاشهای دوما در فعالان زن و نهادهای مدنی در داخل و خارج از کشور، این کوششها تاکنون نتوانسته به بهبود ملموس وضعیت زنان منجر شود و چالشها همچنان پابرجا است.

یک زن برای اولین بار سرمربی تیم مردان در بوندس لیگای آلمان شد



ماری لوتیزه ایثا، به عنوان سرمربی تیم مردان یونیون برلین در بوندس لیگای آلمان تعیین شده است که نخستین مربی زن در یکی از پنج لیگ برتر فوتبال اروپا خواهد بود. او تا پایان فصل هدایت این تیم را برعهده خواهد داشت.

ماری لوتیزه ایثا ۳۴ ساله است و قبل از این

هم رکورد شکنی کرده بود. او در نوامبر ۲۰۲۳ به نخستین زنی تبدیل شد که به عنوان دستیار مربی در همین باشگاه یونیون برلین در لیگ فوتبال آلمان کارش را شروع کرد.

انتصاب اولین مربی زن در این تیم آلمانی پس از آن است که استفن بائومگارتر، مربی پیشین این تیم پس از شکست ۳ - ۱ در برابر تیم قهرنشین هایدنهایم، از موقفش برکنار شد.

یونین برلین در حال حاضر در میان ۱۸ تیم بوندس لیگا، در جایگاه یازدهم قرار دارد. از ۱۴ بازی در سال ۲۰۲۶، این تیم فقط دو پیروزی کسب کرده است.

ماری لوتیزه ایثا قبلاً با تیم توربین پوتسدام، قهرمان لیگ قهرمانان زنان اروپا شده بود.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: هرانا، خبرگزاری زن، هشت صبح، خبرگزاری بانوان، بی بی سی)

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۲

جنبش «زنان به سوی آزادی»، خواستار تأمین بی قید و شرط حقوق زنان شد



جنبش «زنان به سوی آزادی» با نشر قطعنامه ای به مناسبت سال نو و عید سعید فطر، بر لزوم تأمین حقوق اساسی زنان و دختران در افغانستان تأکید کرده و خواهان پایان محدودیتهای اعمال شده بر آنان شده است.

در این قطعنامه، محرومیت زنان از آموزش، کار و مشارکت اجتماعی و سیاسی به عنوان نقض آشکار حقوق انسانی توصیف شده و بر بازگشت این حقوق تأکید شده است. این جنبش اعلام کرده که زنان و دختران نباید از ابتدایی‌ترین آزادیهای خود محروم باشند و این وضعیت نیازمند توجه فوری جامعه جهانی است.

در بخشی دیگر از این بیانیه آمده است که حق آموزش، اشتغال و مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان «غیرقابل مذاکره» است و باید بدون هیچگونه شرطی تأمین شود. این جنبش همچنین با محکوم کردن سیاستهایی که به حذف زنان از عرصه های عمومی انجامیده، از نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی خواسته است در برابر وضعیت زنان افغانستان سکوت نکنند و اقدامات عملی برای حمایت از حقوق آنان انجام دهند.

در این قطعنامه بر اهمیت همبستگی جهانی زنان نیز تأکید شده و مبارزه زنان افغانستان بخشی از تلاش گسترده تر برای تحقق عدالت در سطح جهان توصیف شده است.

این در حالی است که در سالهای اخیر محدودیتهای علیه زنان و دختران در افغانستان افزایش یافته و آنان از بسیاری از حقوق اساسی خود محروم شده‌اند. با وجود درخواستهای مکرر برای لغو این محدودیتهای، مقامهای حاکم تأکید دارند که حقوق شهروندان در چارچوب تفسیر آنان از شریعت اسلامی تأمین می‌شود.

آغاز سال تحصیلی جدید در افغانستان بدون معلمان زن



آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل، به مناسبت روز جهانی زنان گفته است که زنان در سراسر جهان تنها از ۶۴ درصد حقوق قانونی ای بهره‌مند هستند که مردان دارند.

گوترش روز بامداد یکشنبه ۸ مارس، در ایکس نوشته است که وقتی زنان و مردان در برابر قانون برابر نباشند، عدالت واقعی برقرار نخواهد بود.

دبیر کل سازمان ملل تأکید کرده است که باید با قوانین و رویه‌های تبعیض آمیز مبارزه شود تا عدالت، کرامت، فرصت و آزادی برای زنان و دختران در همه کشورها تضمین شود.

این در حالی است که زنان افغانستان بیش از چهار سال است تحت شدیدترین محدودیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارند.

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان در سال ۲۰۲۱، دختران و زنان از حق آموزش محروم شده‌اند و حضور آنها در بسیاری از شغلها، فعالیتهای اقتصادی و سیاسی ممنوع اعلام شده است. این محدودیتهای عملاً افغانستان را به یکی از سخت‌ترین محیطها برای زنان در جهان تبدیل کرده است.

متن سخنان مهدی سامع در تظاهرات پاریس

شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ - ۱۱ آوریل ۲۰۲۶

تجاوز بزدلانه به اردوگاه احزاب کردستان محکوم است

زینت میرهائمی



در شامگاه سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۵، بار دیگر اردوگاه‌های حزب کومله زحمتکشان کردستان ایران و حزب دموکرات کردستان ایران مورد حمله پهلادی سپاه تروریستی پاسداران قرار گرفت.

در پی این حمله جنایتکارانه به کمپ «سورداش» متعلق به حزب کومله زحمتکشان کردستان ایران در سلیمانیه عراق، تعدادی زخمی شدند و یکی از پیشمرگان این حزب به نام غزال مولان، اهل مهاباد، مجروح و سپس به شهادت رسید.

در همین روز، کمپ آزادی، متعلق به حزب دموکرات کردستان ایران در شهر کوی سنجق نیز هدف حمله پهلادی سپاه تروریستی پاسداران قرار گرفت. با تسلیت به خانواده زنده یاد رفیق غزال مولان و تسلیت

به رفقای کومله، با تاکید باید گفت که این جنایتها در اراده آزادیخواهان ایران خللی ایجاد نمی‌کند. حمله‌های پهلادی پیوسته به اردوگاه‌های احزاب کردستان ایران نشان می‌دهد که جنگ اصلی رژیم با مردم ایران و نیروهای مبارز و مخالف حکومت است و برای همین مساله است شاهد افزایش اعدام هستیم. در هجدهمین گزارش سالانه مشترک از سوی سازمان حقوق بشر ایران و سازمان «با هم علیه مجازات اعدام» منتشر شده، از تشدید بی سابقه در استفاده جمهوری اسلامی از مجازات اعدام در سال ۲۰۲۵ پرده برمی‌دارد. بر اساس این گزارش، دستکم ۱۶۳۹ نفر در سال ۲۰۲۵ اعدام شدند؛ رقمی که نسبت به ۹۷۵ اعدام ثبت شده در سال ۲۰۲۴، افزایشی ۶۸ درصدی را نشان می‌دهد. این بالاترین تعداد اعدام ثبت شده در ایران از سال ۱۹۸۹ تاکنون است.

رژیم، جنگ را برای بقای خود برکت می‌داند و سرکوب سیستماتیک در شرایط جنگی را به‌عنوان سیاستی بازدارنده در برابر انقلاب و فوران خشم مردم دنبال می‌کند. ترس از نفرت و خشم مردم تاجایی است که حکومت حتی از آتش بس شکننده جهت تداوم سرکوب استفاده می‌کند. همزمان به خاطر تقویت نیروهای سرکوب، هزاران نفر از نیروهای نیابتی رژیم، از عراق، افغانستان، پاکستان و... وارد ایران شده‌اند.

حمله پهلادی به اردوگاه‌های حزب دموکرات کردستان محکوم است



حزب دموکرات کردستان ایران اعلام کرد بعدازظهر آدینه ۲۸ فروردین در حملهٔ موشکی و پهلادی رژیم به اردوگاه‌های غیر نظامی این حزب در اقلیم کردستان عراق، دو پیشمرگهٔ زن به نام‌های ندا میری و سمیرا الله‌یاری به شهادت رسیدند.

هم‌چنین یک پدر و پسر هدف قرار گرفتند شاهین آذر برزین به شهادت رسید و پدرش نادر به شدت مجروح شد. در این حمله‌های پهلادی چندین پیشمرگه زخمی شده‌اند.

با عرض تسلیت به حزب دموکرات و بازماندگان شهدای پیشمرگه، بدون شک تهاجم‌های وحشیانه رژیم نشانه ترس و وحشت است نه از قدرت.

«لحظاتی هستند که دوران سازند کلماتی که دل انگیزتر از آوازند مردمانی که تو گویی آنان، از دل پاک حقیقت زانند»
خانمها، آقایان، دوستان عزیز با سلام بر شما انسانهای آزادیخواه!
سه جمله ای که در آغاز شنیدید، از یک شاعر ویتنامی* برای یک انقلابی** این کشور است که در دوران جنگ رهایی بخش ویتنام اعدام شد. پیش از آن که دلیل استفاده از این شعر را مطرح کنم، به فراز دیگری از آن توجه کنید:

«آدمی با سر افراشته باید بزید و سرافراشته باید میرد و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش و نهد در ره آزادی خلق همه هستی خویش»***

دوستان عزیز

در روزهای پیش شش مجاهد قهرمان و هفت جوان شورشگر سر به دار شدند. سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام راهکار استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما برای ماندن در قدرت است. جنایتکاران حاکم بر ایران برای ماندن در قدرت و برای غارت کشور و جامعه با این راهکار این پیام را صادر کرده‌اند که عصیان و شورش علیه نظم موجود را بر نمی‌تابند و طناب دار در انتظار هر ایرانی آزادیخواهی است که برآشوبند. این جنبه عام در مورد تمام اعدام‌های طی چند دهه گذشته است. اما خروجی برخی از اعدامها از جمله سر به دار شدن سیزده شقایق سرخ بهار امسال، پیام خاصی هم داشته است.

فراموش نمی‌کنیم که در چهل روز جنگ ارتجاعی و ویرانگر، حکومت جابر و ستمگر با حقه بازی، کناره گیری مردم از کُش اعتراضی، که البته امری طبیعی است، را به حساب حمایت از رژیم واریز کرد. مخالفت جامعه با جنگ را با تجمعهای محدود و بیشتر سازماندهی شده توسط بسیج و مداحان حکومتی که در اساس آماده باش برای سرکوب است را به دروغ همسویی و همسنگری «حکومت و مردم» معنی می‌کرد.

و یادمان نرفته که در جنبش انقلابی دی ماه سال پیش، رسانه‌های پروژّه بگیر با مطرح کردن «پهلوی بر می‌گردد»، و با پیام «کمک در راه است» که با بمباران کشور و مردم به وسیله آمریکا و اسرائیل، از هوا نازل شد، چه دود و دمی راه انداخته بودند.

سر به دار شدن «سیزده مرد دلیر» حقه خلیفه سوم و خرافه پهلوی را نقش بر آب کرد. تکلیف حکومت اعدامی و کودک کُش که در قیام دی ماه بیش از صد کودک را به قتل رساند و در دوران جنگ و برای مهار جامعه به اعدام دست زد، با مردم روشن است؛ طناب دار

و خرافه «گارد جاویدان» رضا پهلوی هم در برابر شکوه و عظمت ایستادگی سر به داران، محو شد و برای همین حرفهایم را با جمله «لحظاتی هستند که دوران سازند» آغاز کردم.

لحظه‌های اعدام «سیزده مرد دلیر» به راستی که دوران ساز شد.

سپاسگزارم که به من گوش کردید.

* - «توهوتو»

** - «وان تروی»

*** - این شعر توسط فدایی شهید رفیق بهمن آژنگ به فارسی ترجمه و سپس توسط چریک فدایی خلق ایران رفیق شهید علی رضا نابدل به صورت شعر تنظیم شد.

تنگه هُرمُز؛ موهبت یا مصیبت؟

منصور امان

چگونه سیاست انتحاری میدان جنگ را گسترش می‌دهد

منصور امان

با هر روزی که از جنگ می‌گذرد، همانگونه که ابعاد ویرانگر آن آشکارتر می‌گردد، دامنه گسترده‌تری نیز می‌یابد. در این میان زیرساختهای اقتصادی، مدنی و مراکز غیرنظامی بیش از پیش از سوی سه طرف جنگ در کانون حمله قرار گرفته است.

دستگاه نظامی - امنیتی حاکم حملات موشکی و پهپادی به کشورهای جنوب خلیج فارس و تاسیسات نفتی و گردشگری را تشدید کرده و اکنون از قصد خود برای هدف گرفتن شعبه‌های شرکت‌های اینترنتی و نرم‌افزاری آمریکایی در این کشورها خبر می‌دهد. همزمان، باجگیری و حملات سپاه پاسداران به نفتکشها و کشتیهای تجاری، بحران تنگه هُرمُز را به یک بحران بین‌المللی بدل ساخته؛ تحول مخرب دیگری که بازیگران ذینفع بیشتری را به میدان کشیده و دست طرفهای رژیم حاکم را برای گسترش هدفها و شدت بخشیدن به آتش باز می‌کند.

در سوی دیگر، آمریکا و اسرائیل به گونه فزاینده زیرساختهای ایران را هدف قرار می‌دهند. تنها از هفته گذشته تاکنون، دو مجتمع اقتصادی در اصفهان و اهواز، دو نیروگاه برق در کرج و تهران، یک پالایشگاه در تبریز، انبارهای سوخت و مراکز ذخیره‌سازی در تهران و فریدیس و نیروگاه اتمی بوشهر آماج بمبها و موشکهای این دو کشور قرار گرفته‌اند. این حملات تصادفی یا سهوی روی نداده و نشان از شروع روندی دارد که رییس‌جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۱۲ فروردین آفاق آن را با این تهدید که «ایران را به عصر حجر بازمی‌گردانیم» نشان داد.

دینامیزم جنگ به دو سمت بیشتر حرکت نمی‌کند: یا به سمت کاهش تخصصات یا تشدید آن و تصویر کلی میدان و شواهدی که سه طرف جنگ ارائه می‌کنند، بیانگر گرایش آن به سوی گزینه دوم، دستکم در مرحله کنونی است. این به معنای درگیر شدن هرچه بیشتر شهروندان غیرنظامی در کشمکشها و حتی تبدیل آنها به سوژه جنگی است. لازم به گفتن نیست که در این مسابقه مرگ و ویرانی، چه کسی دست بالا را دارد.

رژیم حاکم بر ایران نه در گذشته و نه اکنون از نظر نیروی نظامی و تجهیزات، توان اقتصادی پایدار و خزانه جنگی در اندازه و هم‌سطح «دشمنان» اش نبوده است. این واقعیت ساده را شرایط وخیم معیشتی، تاخت‌وتاز آزادانه آمریکا و اسرائیل در آسمان و زمین ایران و ناتوانی ج.ا در حفاظت از کلیدی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی و رهبران خود یادآور می‌شود. براساس همین معادله، میزان خسارتی که ج.ا به طرفهایش یا به منطقه وارد می‌آورد، هرگز هم‌سطح با خسارتی نیست که آنها تاکنون به‌بار آورده‌اند و از این پس می‌توانند به‌بار آورند. نیروهای درگیر با یکدیگر از آنجا که هم‌تراز یا به‌نسبت هم‌تراز نیستند، عملکرد و نتیجه‌ای که بر جا می‌گذارند نیز متوازن نیست و بیشترین زیان و خسارت را ایران و شهروندان آن می‌بینند. دامنه این خسارات از هزینه‌های انسانی و مالی فراتر رفته و آثار آن درازمدت خواهد بود. برای داشتن تصویر عینی‌تر، کافیست به مدهای افغانستان، لیبی و عراق نگریسته شود.

همانگونه که در گذشته گردانندگان ج.ا به نتیجه و پیامد دشمن‌سازی و بحران آفرینهای خود اهمیت چندانی ندادند و جنگ دوازده روزه را به ایران آوردند، امروز نیز اعتنایی به عواقب ناگزیر جنگ فعلی ندارند. باند نظامی - امنیتی حاکم در نبود توان دفاع و بازدارندگی موثر، به‌جای دست کشیدن از سیاستها و راهبردهای تنش‌زا و پایان دادن به چرخه مرکب‌بار بحران و جنگ، سیاستی انتحاری و آخرالزمانی را پیش گرفته و راه نجات خویش را در ریختن بنزین بر آتش جنگ می‌جوید.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۳ فروردین



آنگونه که پیداست دور دوم مذاکرات ج.ا و آمریکا به زودی برقرار خواهد شد. براساس گزارش رسانه‌ها و گفته‌های مذاکره‌کنندگان در دور نخست، آمریکا خواسته‌هایش را به طرف خود ارائه کرده و آنها اینک پس از مشاوره یا کسب تکلیف به پاکستان باز خواهند گشت. با توجه به اینکه خواسته‌های پانزده گانه آمریکا پیشتر چه از طریق پاپوران رسمی آن و چه رسانه‌ها علنی شده بود، بنابراین آنچه که دستگاه حاکم بر ایران لازم دیده در باره آن به بحث نشیند، سند تغییر یافته یا تعدیل شده‌ای از خواسته‌های اولیه است. هم‌زمان می‌توان انتظار داشت که از نگاه آمریکا و اسرائیل نتیجه مذاکرات با هر شکل و نما در انتها باید خواست مرکزی آنها برای محدود کردن توان بحران آفرینی و شرارت رژیم حاکم بر ایران را برآورده سازد.

دستگاه حاکم پس از جنگ اخیر و چشم‌اندازی که آمریکا و اسرائیل از شدت بخشیدن به آن ترسیم می‌کنند، میدان مانور بزرگی ندارد. این واقعیت را ابتدا عقب‌نشینی خاموش از پیش‌شرطهای اولیه خود برای انجام مذاکره بازگو می‌کند. آنها حضور خود را مشروط به «آزادسازی بی‌قیدوشرط داراییهای بلوکه شده» و «برقراری آتش‌بس پایدار و ملموس در تمامی جغرافیای محور مقاومت» کرده بودند. به این شروط اعتنایی نشد و آنها نیز بی‌گفتگو پای میز مذاکره نشستند.

چنین می‌نماید که طرح چنین پیش‌شرطهای فانتزی متکی به کارت تنگه هُرمُز و آثار بین‌المللی آن بوده باشد. رژیم حاکم تصور می‌کند با ایجاد اختلال در این گذرگاه استراتژیک برای اقتصاد جهانی، به یک سلاح تعیین‌کننده دست یافته که به آن امکان قبولاندن خواسته‌های خود را به طرفهای مقابل می‌دهد. آخرین باری که حاکمان کشور با توهم مجهز شدن به یک تضمین امنیتی تعیین‌کننده و برآمدن در نقش قدرت منطقه‌ای به پروژه هسته‌ای و بمب متوسل شدند، نتیجه در انتهای یک دوره سخت تحریمهای اقتصادی، جنگی خانمانسوز و ویرانگر بود.

در همین حال تفاوت‌های مهمی بین برنامه اتمی و به‌گروگان گرفتن تنگه هُرمُز وجود دارد. درحالیکه پروژه اتمی یک تهدید بالقوه است، اقدامات مخرب حاکمیت در تنگه هُرمُز تهدیدی بالفعل به حساب می‌آید و همچنین سطح تاثیرات آن از مساله هسته‌ای بسا فراتر می‌رود. از این رو، مقابله با آن نیز از سطح واکنشی که تهدید هسته‌ای برانگیخت و به جنگ کنونی منجر شد، فراتر خواهد رفت.

تفاوت دیگر در گستره بحران است. اگر در بحران هسته‌ای طرف حساب ج.ا به گونه عمده آمریکا و اسرائیل بودند، بحران در تنگه هُرمُز برای طیف وسیعی از کشورها که صادرکننده یا واردکننده انرژی هستند، تهدید و اخلال به شمار می‌آید. این دسته از کشورها یا همسایگان ایران هستند و یا در دایره قدرتهای صنعتی و مالی قرار دارند. هر دوی ویژگیها، ج.ا را در میدان کشمکش در موقعیت ضعیف‌تر و آسیب‌پذیری قرار می‌دهد.

محاسبه غلط خامنه‌ای مرده و همدستانش از توان بازدارندگی خویش، جنگ کنونی را رقم زد و بازماندگان او می‌روند که با یک برآورد اشتباه دیگر، چند پله از فاجعه‌ای که او به بار آورده، بالاتر بروند. زمان به سود آمریکا نیست و به درازا کشیده شدن بحران در تنگه هُرمُز، فشار بر آن را افزایش خواهد داد. این واقعیت اما نه یک امتیاز برای دستگاه حاکم، بلکه حلقه طنابی بر گردن اوست که با گذشت هر روز کمی تنگ‌تر از روز پیش می‌شود.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۳ فروردین

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 501 /21 April 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E - KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهادت فدایی در اردیبهشت ماه



رفیق زینب (طاهره) حیاتی

رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلماسی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا قنبرپور، احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، صدیقه (عزت) غروی، ارژنگ شایگان شام اسبی، ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، تورج اشتری تلخستانی، قربان علی زرکاری، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره

مدیرشانه چی، فریده (فاطمه) غروی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله برادران خسروشاهی، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پُشت، میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، هوشنگ قربانی کندرودی، علی رضا باصری، هوشنگ اعظمی لرستانی، ناصر خورشیدی، حمید صفری نژاد، منوچهر حامدی، کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی رضا (ناصر) بامری، زینب (طاهره) حیاتی، فرشته گل عنبریان، مسعود دانیالی، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی دارستانی، غلام حسین خاکباز، هیبت الله بهرامی سامانی، محسن بهکیش، جمیل طوفانی، ناصر بهرامی، رویا علی پناه فرد، منصور فرساد، کورش پیروزی، ابوالقاسم تاجلی (تجلی)، منیژه موسی نژاد، فریدون آشوری، کریم تیمور زاده (تیموری)، منصور جابری، غلام حسین خاکباز، رسول مجنون، عزیز بدلی، کمال کیانفر، جمشید دیندار، علی بدری، علی (نبی) جدیدی، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسنی، هوشنگ خنیفی، داود میرزایی، حمید رضا (امیر) زمانی کندوانی، علی کرم داودی، صدیق زارعی، محمد راکمی، مهشید معتصد کیوان، کامیار ضیاءپور، کبرا حیدریان، صادق نظیری، مهدی حاتمی، جبرائیل هاشمی و ... از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

یادواره شهیدان فدایی

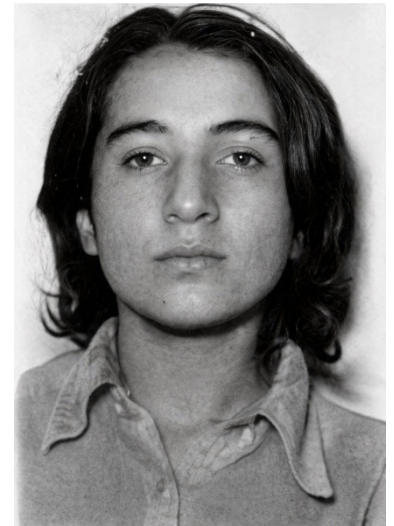
فدایی شهید زهره مدیر شانه چی

گردآوری و تنظیم امیر ابراهیمی

رفیق هجوم آورده و او را دستگیر کردند، پس از شکنجه‌های زیاد رفیق زهره پس از شش ماه آزاد می‌شود. دو ماه پس از آزادی، مجدداً با سازمان ارتباط می‌گیرد و زندگی مخفی را آغاز می‌کند. سرانجام روز بیست و هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۵ ساواک به خانه یک تیمی در رشت حمله کرد و این رفیق پس از چند ساعت مقاومت به شهادت رسید. محمد آقا مدیر شانه چی پدر این رفیق زهره، سابقه همراهی با جبهه ملی و نهضت آزادی داشت و با افراد شناخته شده مثل آقای طالقانی و بسیاری دیگر آشنایی داشت و پس از انقلاب بهمن یک عضو موثر دفتر آقای طالقانی بود.

هر چهار فرزند آقای محمد شانه چی، محسن، فاطمه (زهره)، حسین و زهرا (شهره) در مبارزه برای آزادی و عدالت در رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

یاد و خاطره رفقا مدیر شانه چی گرامی



رفیق زهره مدیر شانه چی

فدایی شهید رفیق زهره مدیر شانه چی در یک خانواده شناخته شده مذهبی و ملی متولد شد. که از مشهد به تهران مهاجرت کرده بودند، در مرداد ۱۳۳۲ در تهران متولد شد. دوران تحصیلات متوسطه را در دبیرستان فروردین به پایان رسانید. رفیق زهدت‌السادات روحی آهننگران دبیر ریاضی در این دبیرستان بود، از این طریق رفیق زهره با سازمان آشنا شد.

رفیق زهره که دانشجوی مدرسه عالی علوم قضائی (دانشجوی سال دو دانشکده حقوق) در شهر قم بود، از سال ۱۳۵۰ به سازمان پیوست. در نوزدهم خرداد سال ۱۳۵۲ مأمورین ساواک و کمیته مشترک به خانه آید

